

فصل جوانی

کار را که کرد
به دنبال مشتری
ذهن تکانی



ثَمَرَةُ الْعِلْمِ، الْعَمَلُ بِهِ مِوَةٌ دَانَشْ، بَه كَار بَسْتَنِ أَنْ اِسْت.

حضرت علی علیه السلام





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پژوهش و توسعه و امور علمی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

مجموعه نشریات جوان
www.roshdmag.ir

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای هنر جوانان هنرستان
دوره اول / سال ۱۴۰۰ / شماره بی در بی ۷ / ۴۰ صفحه / ۳۵۰۰۰ ریال

سال نو، عزم نو

سال گذشته با همه تلخی‌هایش سپری شد و بهار تازه از راه رسیده است. روزهایی که پشت سر گذاشتیم، با وجود سختی‌هایش، درس‌هایی هم به همراه داشت. ما آدم‌ها عادت کرده بودیم همیشه برای زندگی در شرایط عادی برنامه‌ریزی کنیم، اما متأسفانه کرونا پیش‌بینی‌هایمان را به هم ریخت.

سالی که گذشت، به ما آموخت باید برای زندگی در موقعیت‌های متفاوت به‌نسبت آماده باشیم. در ماه‌های گذشته مشاغل زیادی تعطیل و نیمه‌تعطیل شدند و وضعیت اقتصادی‌شان آسیب دید. این اتفاقات تلخ باعث شد بدانیم، داشتن صرف یک مهارت شاید برای همیشه کافی نباشد و چاره‌ای نداریم جز اینکه مهارت‌هایمان را با شرایط روز وفق بدهیم. مثلاً ماه گذشته، هنرجویی با دفتر مجله تماس گرفت و موضوع جالبی را برایمان تعریف کرد.

این دختر خانم هنرجوی پایه یازدهم رشته معماری بود. چند ماه قبل، وقتی باخبر شد مدیران هنرستانش بعضی از کارگاه‌ها را به محل دوخت لباس پرستاری و تولید ماسک تبدیل کرده‌اند، برای کمک داوطلب شد. بیشتر از چند روز طول نکشید که دوخت را یاد گرفت. کاری که این دختر خانم انجام داد، هم عملی خدا پسندانه بود و به مردمی که در روزهای اول کرونا با کمبود ماسک مواجه بودند کمک کرد، هم مهارتی را به او آموخته بود. این مهارت به رشته‌اش مرتبط نبود، اما با یادگیری آن توانست در روزهایی که هنرستان‌ها غیرحضوری بودند، در خانه کسب کوچکی راه بیندازد و کمک خرج خانواده‌اش باشد. امیدوارم سال پیش رو پر از اتفاقات خوب باشد و تأکید می‌کنم باید برای زندگی در شرایط مختلف آماده باشیم. بیایید در سال جدید، روی مهارت‌ها و روحیه‌مان بیشتر کار کنیم تا در هیچ شرایطی تسلیم روزهای سخت نشویم.

محمد علی قربانی

- ۲ حمایت خودمانی
- ۴ رمز موفقیت
- ۶ کار را که کرد
- ۸ حساب سرانگشتی
- ۱۲ سه‌شاخه دیجیتال
- ۱۴ بفرما بید دانشگاه
- ۱۶ به دنبال مشتری
- ۱۸ پیر و جهش کن
- ۲۲ توانیتو
- ۲۴ کدآموزی
- ۲۶ صنایع ادبی
- ۲۸ خودکفا شدم
- ۳۲ طنزیمات
- ۳۴ ذهن تکانی
- ۳۶ رشته شیمیایی
- ۳۸ اول قرارداد

و جداناً فیلم بسازیم

۱۰

مدال چوبی

۲۰

اهل نایبم

۳۰

با شما

۴۰



نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
سندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن دفتر مجله: ۸۸۸۶۷۳۳۱
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
رایانامه (پست الکترونیک): roshdehonarju@roshdmag.ir
تلفن امور مشترکان: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶-۸۸۸۶۷۳۰۸

مدیر مسئول: محمدابراهیم محمدی
سر دبیر: محمدعلی قربانی
شورای سردبیری: سیدمصطفی آذرکیش، مهدی اسماعیلی، افشار بهمنی، مژگان علیرضا، محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر، کبری محمودی، حمید یزدانی
شورای تیترو: مهدی استاد احمد، سعید طلایی، سیدعلی اکبر میرجعفری
مدیر هنری: کوروش پارساژاد
مدیر داخلی: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی
ویراستار: بهروز راستانی
عکاس روی جلد: اعظم لاریجانی
عکس روی جلد تزئینی است و قبل از دوران کرونا گرفته شده است.

حمایت خودمانی



توانیران چگونه ساخته شد؟

پانزدهم ادیبهشت سال ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی قانونی را با موضوع «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» تصویب کرد. بعد از تصویب این قانون، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت موظف شدند اگر محصول یا خدماتی در داخل کشور تولید یا ارائه می‌شود، مشابه خارجی آن را نخرند. در پی اجرای همین قانون، سامانه «توانیران» راه‌اندازی شد.

توانیران چه کار می‌کند؟

هدف توانیران ایجاد ارتباطی دوطرفه بین «توانمندی‌ها» و «نیازمندی‌ها» است؛ یعنی در این سامانه کالاها و خدمات داخلی معرفی می‌شوند و شرکت‌ها و سازمان‌ها تنها زمانی می‌توانند کالای خارجی بخرند (از بازارهای ایران محصولی خارجی تهیه کنند یا از راه واردات آن را بخرند) که مشابه داخلی آن در کشور وجود نداشته باشد.

در حال حاضر، در سامانه توانیران اطلاعات ۷۷۰۰۰ واحد صنعتی وارد شده‌اند. این سامانه اهدافی هم برای آینده دارد؛ اهدافی مثل استقلال و خودکفایی صنعتی؛ توسعه و بهبود کیفیت ساخت داخلی؛ تقویت اقتصاد دانش‌بنیان با رویکرد نوآوری.

چطور با کمک توانیران از تولیدکنندگان خرید کنیم؟

هر سازمانی باید نیازمندی‌های خود را در سامانه توانیران ثبت کند تا واحدهایی که می‌توانند نیاز آن‌ها را برطرف کنند، برای همکاری اعلام آمادگی کنند. سازمان‌ها بعد از ثبت سفارش باید حداکثر سه ماه منتظر بمانند تا واحدهای تولیدی بتوانند محصول مورد نیاز آن‌ها را تأمین کنند. بعد از گذشت سه ماه، سازمان‌ها اجازه دارند محصول غیرایرانی بخرند.

تا به حال به آینده فکر کرده‌اید؟ دوست دارید در کدام موقعیت شغلی باشید؟ بیاید چشمانمان را ببندیم و برای آینده خیال‌بافی کنیم! دوست دارید کارگاه تولیدی داشته باشید و نام کارگاهتان را روی ابزارهایی که می‌سازید حک کنید؟ یا کارگاه شما آن قدر معروف شود که هر کس می‌خواهد ابزاری بخرد، اول به سراغ مسئول فروش کارگاهتان بیاید؟ شاید به کارهای هنری، کشاورزی و خدماتی علاقه دارید و می‌خواهید معمار، طراح لباس، دامدار، برنامه‌نویس رایانه و... شوید! تصور کنید طراح لباس شده‌اید و لباس‌هایی که طراحی می‌کنید، به اولین انتخاب مشتریان برای خرید تبدیل شوند. یا اینکه معمار شده‌اید و هر کس می‌خواهد خانه‌هایی را که شما معماری کرده‌اید، معرفی کند، قبل از گفتن مترآژ و نشانی، نام معمار آن‌ها، یعنی شما را می‌گوید. مهندس رایانه شده‌اید و هر کس می‌خواهد سایت مهمی بسازد، اول با شما تماس می‌گیرد و شما نسبت به همکاران خود، یکی از بالاترین دستمزدها را دارید.

حالا چشمانتان را باز کنید. بله. همه این‌ها ممکن است. اما چطور؟ مسلم است کیفیت محصول، شناخت بازار و قیمت مناسب، مهم‌ترین موضوعات در موفق شدن هستند، اما کافی نیستند. اگر بهترین محصول را بسازیم، اما دوستان، همشهریان و هم‌وطنانمان به ما اعتماد نکنند، چه می‌شود؟ اگر کسی حاضر نشود لباسی را که طراحی کرده‌ایم بپوشد و ایرادهايش را بگوید، می‌توانیم کارمان را اصلاح کنیم تا محصولی بدون عیب تحویل دهیم؟

یکی از مهم‌ترین عامل‌های موفق شدن، حمایت و استقبال مردم از تولیدات و خدمات ماست. احتمالاً با عبارت «حمایت از تولید ملی» آشنا هستید و می‌دانید بسیاری از تولیدکنندگان، جوانانی خلاق مثل خود شما هستند. این را هم می‌دانید که یکی از فضاهايي که از این تولیدکنندگان حمایت می‌کند، سامانه «توانمندی‌ها و اعلام نیازمندی‌های ایران» است که با نام «توانیران» شناخته می‌شود؟ این سامانه در حال حاضر یکساله شده است و در این نشانی قابل دسترس است: www.tavaniran.ir.

توسعه و تعمیق ساخت داخل



صمت) بارگذاری کرده است. تولیدکنندگان یا خدمات‌دهندگان، اگر بخواهند، می‌توانند وارد سامانه شوند و اطلاعات خود را تغییر دهند و به‌روز کنند.

چهارمین بخش از خدمات سامانه، «پیمانکار طراحی ساخت نظام فنی و اجرایی کشور» است. در این بخش، با جست‌وجوی نام پیمانکاران، می‌توانید اطلاعات پیمانکاران دارای مجوز سازمان برنامه و بودجه را ببینید. توانیران با اتصال به سامانه «ساجار» (سامانه اطلاعات عوامل نظام فنی و اجرایی کشور) می‌تواند امکان تبادل برخط اطلاعات را فراهم کند.

«پیمانکار خدمات فنی و مهندسی» آخرین گزینه از خدمات سامانه است. اگر روزی به اطلاعات واحدهای خدمات فنی و مهندسی نیاز داشتید، این بخش از سامانه به شما کمک می‌کند واحدهایی را که از وزارت صنعت، معدن و تجارت مجوز بهره‌برداری دارند، پیدا کنید.

رسالت توانیران چیست؟

هدف این سایت صرفاً ایجاد ارتباط بین تولیدکنندگان و سازمان‌ها نیست، بلکه سعی می‌کند خود را به تمام مردم و مصرف‌کنندگان معرفی کند تا همه ساکنان ایران با تولیدکنندگان ایرانی آشنا شوند و با خرید محصولات داخلی نیازهای خود را تأمین کنند.

پی‌نوشت

۱. کد آیسیک مخفف International Standard Industrial Classification (سیستم بین‌المللی طبقه‌بندی استاندارد صنایع) است. کدگذاری به عنوان روشی ساده و دقیق برای تعیین هویت کالا، قطعات، مدارک و اموال، سال‌هاست در سطح شرکت‌ها و زنجیره‌های تأمین استفاده می‌شود.

از کجا بفهمیم واحدهای تولیدی توانمندند؟

کسانی که در این سامانه محصولات خود را عرضه می‌کنند، از مرکزهای معتبر مجوز دارند. برای مثال، واحدهای صنعتی از وزارت صمت مجوز «بهره‌برداری» دارند. شرکت‌های مهندسی از سازمان برنامه و بودجه مجوز «گواهی‌نامه تأیید صلاحیت پیمانکاران» گرفته‌اند. شرکت‌های فنی و مهندسی از وزارت صمت «پروانه بهره‌برداری خدمات فنی و مهندسی» و واحدهای تولیدی دانش‌بنیان از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری «گواهی فعالیت دانش‌بنیان» دارند.

این مجوزها به سازمان‌ها و شرکت‌هایی که می‌خواهند از تولیدکنندگان خرید کنند، اطمینان خاطر می‌دهد و اعتماد آن‌ها را جلب می‌کند.

سایت توانیران چه امکاناتی دارد؟

اگر سامانه توانیران را در مرورگر جست‌وجو کنید، در اولین صفحه سایت بخشی به نام «خدمات سامانه» را می‌بینید. در این بخش چند گزینه وجود دارد:

اولین گزینه «جست‌وجوی توانمندی‌ها و نیازمندی‌ها» است. برای مشاهده و آگاهی از تولید و عرضه هر کالا یا خدمت داخلی می‌توانید از گزینه جست‌وجوی توانمندی‌ها بهره‌بردارید. نیازهای کالایی و خدمات خارجی دستگاه‌های اجرایی و بنگاه‌های اقتصادی را هم در بخش جست‌وجوی نیازمندی‌ها دنبال کنید.

دومین گزینه «فهرست کالاهای ایرانی» است. در این بخش محصولات تولیدی با تمام اطلاعات ریز و درشتشان که خیال‌خیز را از معتبر بودن واحدهای تولیدی راحت می‌کند، فهرست شده‌اند؛ اطلاعاتی مانند نام محصول، آدرس و شماره تلفن واحد تولیدی، و کد آیسیک^۱.

بخش سوم «به‌روزرسانی توانمندی‌ها» است. این سامانه نام و مشخصات کارگاه‌های تولیدی یا خدماتی را از مراجع مجوزدهنده (وزارت

رمز موفقیت

چند ماه پیش در نمایشگاه نقاشی یکی از شاگردانم که هم‌سن شماست، روشی نو، توجهم را جلب کرد. کار این هنرمند جالب بود. برای راهنمایی بازدیدکنندگان و شاید هم ترغیب بیشتر آن‌ها به خرید آثار هنری‌اش، از کدهای کیوآر استفاده کرده بود.

مشتاق شدم برنامه خواندن رمز کیوآر را نصب و چند تا از رمزهای کیوآر را باز کنم. به این ترتیب، عکس کوچکی از هر نقاشی، با توضیح کاملی از سبک‌ها، نمادها و نشانی نمایشگاه گرفته تا نظرات بازدیدکنندگان، در اختیارم قرار گرفت. جالب اینجا بود که خود نقاش هم به طور آنلاین به سؤالات حاضران جواب می‌داد. برایم سؤال شد چرا من تا به حال به آن فکر نکرده بودم؟! این کدهای کوچک با نقطه‌های به‌ظاهر بی‌معنا، می‌توانند مثل چند راهنما عمل کنند و اطلاعات بسیاری را به سرعت و ساده‌ترین روش ممکن در اختیار بازدیدکنندگان بگذارند. البته این فقط یکی از کاربردهای کیوآر کد است. شما می‌توانید روی هر چیزی رمز کیوآر بزنید. مثلاً اگر روزی صاحب فروشگاه‌های شدید، کنار محصولاتتان کارتی بگذارید و روی آن رمز کیوآر سایتتان را چاپ کنید. در این حالت همیشه مشتريان آدرس فروشگاه، طرح و مدل‌های محصولات و قیمت‌ها را در دسترس خواهند داشت. در ذهنم مرور کردم، چند بار نشانی‌های سایت‌ها را فراموش کرده‌ام! یا اینکه هیچ‌وقت حال و حوصله وارد کردن نشانی سایت در مرورگر را نداشته‌ام. حال رمز کیوآر راه کوتاه و ساده‌ای است برای امثال من تا به محتوایی که می‌خواهم، برسم.

رمزینه پاسخ سریع

شما هنرجوی جوان بیش از من و بزرگ‌ترها می‌دانید که اصطلاح «رمزینه پاسخ سریع» یا همان کیوآر کد^۱ مخفف عبارت «Quick Response» و به معنی پاسخ سریع است که تقریباً به همان شیوه بارکد در فروشگاه‌ها عمل می‌کند. هر رمز کیوآر از تعدادی مربع و نقطه تو پر تشکیل می‌شود و هر گوشی دوربین‌دار مجهز به برنامه کیوآر کدخوان می‌تواند این رمزینه را حتی از راه دور اسکن و آن را به اطلاعاتی شامل متن، شماره تلفن، اطلاعات تماس، نشانی وب و پیام کوتاه تبدیل کند. امروزه بسیاری از افراد گوشی هوشمند دارند. بنابراین، رمزینه پاسخ سریع یکی از بهترین روش‌های تأثیرگذاری بر تبلیغات و بازاریابی است. شما می‌توانید برای تبلیغ آسان، سریع و ارزان کالا یا خدمات خود، از یک کد کیوآر برای ساده کردن فرایند استفاده کنید تا افراد بیشتری با محصول شما آشنا شوند.

پیوند دنیای فیزیکی با دنیای مجازی

این رمز را می‌توان روی کارت ویزیت، بروشور، پوستر، مجله، دیوار، وبسایت، صفحه‌های اجتماعی، بسته‌بندی کالا و بلیبورد قرار داد. هر کس با گوشی هوشمند مجهز به برنامه بارکدخوان می‌تواند این کد را اسکن کند. با اسکن کد، بلافاصله به یک نشانی اینترنتی (URL) هدایت می‌شود و در آنجا به‌طور مستقیم به متن، ایمیل و شماره تلفن شما دسترسی پیدا می‌کند و می‌تواند اطلاعات مربوط به محصول یا خدماتتان را ببیند.





چه کسانی می‌توانند رمز کیوآر را اسکن کنند؟

هر کسی به راحتی می‌تواند برنامه‌های متعددی را برای اسکن کردن رمز کیوآر نصب کند. بیشتر این برنامه‌ها رایگان هستند. فردی که یکی از این برنامه را نصب کرده باشد، می‌تواند با گرفتن دوربین گوشی به سمت تصویر گرافیکی رمز کیوآر، آن را اسکن کند تا به‌طور خودکار به نشانی اینترنتی مربوط به رمز کیوآر شما وصل شود و آن کد برایش رمزگشایی شود. به این ترتیب، به راحتی و به سرعت به راه‌های ارتباط با شما مثل نشانی ایمیل، نشانی صفحه اجتماعی، و شماره تلفن شما دسترسی می‌یابد. کیوآر راهی است بی‌دردسر و پر بازدید برای شناخت محصول شما.

توصیه‌های چندخطی

- برای معرفی خود در یک نمایشگاه یا جلسه، به جای آویختن کارت به گردن، رمز کیوآر نام و مشخصاتتان را روی پیراهن خود چاپ کنید.
- رمز کیوآر را در مکان‌هایی قرار دهید که اسکن آن آسان باشد و مشتری زمان کافی برای اسکن آن داشته باشد.
- پس از ساخت رمز کیوآر شخصی خود، حتماً آن را تست کنید و مطمئن شوید به سادگی اسکن می‌شود.
- از رمز کیوآر خود به‌عنوان عکس پروفایل در صفحه‌های اجتماعی استفاده کنید.
- روی برچسب محصولاتتان رمز کیوآرتان را چاپ کنید.
- روی بسته‌بندی محصول فروخته‌شده رمز کیوآر را درج کنید.
- یادتان باشد، دیوارها، پنجره‌ها، روی کف آسفالت، لیوان‌های تبلیغاتی، و حتی انگشتر و گردنبند، مکان‌هایی هستند که هر چه بیشتر محصول شما را در معرض دید می‌گذارند.



ساخت کد کیوآر برای محصول شما

اصلاً کار سختی نیست. در اینترنت سایت‌های ساخت رمز کیوآر را جست‌وجو کنید. بسیاری از این سایت‌ها رایگان هستند. یکی را انتخاب کنید و وارد شوید. حالا در محل تعیین‌شده، اطلاعات تماس یا محصول خود را که می‌تواند شامل متن و عکس باشد، بارگذاری کنید. حتی می‌توانید رنگ رمز کیوآر را به دلخواه انتخاب کنید. سپس دکمه «ساخت کیوآر کد» را بزنید. بقیه کار را به وبسایت بسپارید. خیلی فوری یک کد کیوآر برایتان ایجاد می‌کند. حالا آن گرافیک عجیب متشکل از مربع‌ها، بازار یاب شماست. به راحتی آن را ذخیره کنید و در صفحات اجتماعی، روی کارت ویزیت و در و دیوار بگذارید تا دیگران به راحتی با اسکن کد، به داده نهفته در آن دست یابند. این داده می‌تواند حاوی معرفی کالا یا خدمات شما باشد.



کار را که کرد

شغل هر کس بخشی از هویت اوست و تمرکز روی کار و شغل مورد علاقه یکی از عوامل موفقیت در زندگی است. به تجربه ثابت شده است، بیشتر انسان‌هایی که در زمینه کاری خاصی به طور پیوسته و متمرکز تلاش می‌کنند، موفق‌ترند تا کسانی که در زندگی تداوم کاری ندارند و شغل‌های متعددی را می‌آزمایند؛ یعنی کاری را با هیجان شروع می‌کنند و بعد از مدت کوتاهی دست از آن کار می‌کشند، رهاش می‌کنند و سراغ حرفه دیگری می‌روند. این‌ها در هیچ یک از آن کارها چندان پیشرفتی نمی‌کنند.

اینکه گفته‌اند: همه‌کاره هیچ‌کاره است، به همان واقعیت اشاره دارد. البته ماندگار نبودن در یک شغل، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. روشن است گاهی تغییرات شغلی با وجود تمایل و خواست فرد اتفاق می‌افتد؛ مثلاً در اداره یا سازمان مربوطه تعدیل نیرو انجام می‌شود و فرد به اجبار در پی شغل دیگری می‌رود. گاهی نیز تغییر شغل منطقی دارد. به فرض، فرد با موقعیت شغلی مناسب‌تری روبه‌رو می‌شود.

اما گاهی فرد در زندگی کاری خود، بدون دلیل، مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد؛ انگار تصمیم گرفته است هر حرفه‌ای را بیازماید. می‌بینیم یک روز مغازه‌ای باز می‌کند و کسب و کاری راه می‌اندازد و مدتی را با آن شغل سرگرم است، اما چیزی نمی‌گذرد که نظرش عوض می‌شود و به سراغ کار دیگری می‌رود. چنین شخصی دچار خسارت‌های مادی و معنوی می‌شود. جز این نیست که جدا از فرصت‌سوزی‌ها، هم شروع هر کار با هزینه همراه است و هم رهاکردن آن هدر رفت سرمایه را در پی دارد!

بنابراین، روش درست آن است که از ابتدا در مورد شغل و انتخاب آن فکر کنیم. درست تصمیم بگیریم و بعد از پیدا کردن شغل مورد علاقه، به کارمان بچسبیم و وسوسه فعالیت‌های دیگر را از خود دور کنیم. البته این کار آسان نیست و به نوعی همان است که امام باقر(ع) فرموده‌اند: «هیچ چیز نزد خداوند، محبوب‌تر از آن نیست که بر آن مداومت شود، هر چند اندک باشد» (الکافی، ۳/۸۲/۲).

متأسفانه بعضی‌ها عجول‌اند. یکشنبه نمی‌توان پولدار شد. باید زحمت کشید، صبر کرد و منتظر موقعیت‌های مناسب ماند و

به‌درستی از آن‌ها سود برد تا به نتیجه دلخواه رسید. اصلاً در هیچ کاری نباید منتظر نتیجه فوری بود. هر کار، از هر نوعی که باشد، سختی‌های خودش را دارد. اگر به این نکته باور داشته باشیم، دیگر به امید واهی کار آسان‌تر، کار و شغلمان را به راحتی رها نمی‌کنیم و کنار نمی‌گذاریم.

تنها باید فکر و ذهن و انرژی خود را بر این موقعیت کاری که در پیش گرفته‌ایم متمرکز کنیم. به دنبال ایده‌ها و راه‌حل‌هایی برای پیشرفت کار خود باشیم و با انگیزه ادامه دهیم. به تدریج همه چم و خم کار را یاد بگیریم و اعتبار کسب کنیم. آن وقت است که می‌بینید موفق می‌شویم. بدانیم، هیچ کس در کاری پیشرفت نمی‌کند، مگر آنکه تداوم و استمرار را اساس کار خود قرار دهد.

بله، استمرار و تداوم در کسب و کار یکی دیگر از اخلاق کاری است که باید خود را به آن ملزم بدانیم و بی‌جهت و بی‌درپی تغییر شغل ندهیم. این تغییر عقیده‌دادن‌ها و رفت‌وبرگشت‌های بی‌جهت و بی‌معنا مشکل ایجاد می‌کنند. متأسفانه بسیاری انگار در این رفت و برگشت‌ها تخصص دارند!

البته همان‌طور که گفتیم، بهتر است از همان ابتدا شغلمان را با فکر و عاقلانه انتخاب کنیم؛ شغلی که مورد علاقه و در جهت استعداد ما باشد. آن‌هنگام است که از وقت گذاشتن برای آن خسته نمی‌شویم. با عشق ساعت‌ها به آن می‌پردازیم و از جست‌وجو و مطالعه و کسب اطلاعات تازه در مورد آن لذت می‌بریم. آن وقت است که در آن روز به پیشرفت می‌رسیم. امام علی(ع) فرموده است: «تا کاری را خوب نسنجیده‌ای، به آن اقدام نکن» (الحیاء، ۱۳۹۱: ۵۶۴).

خواهد آمد

به روزهای نیمه شعبان که نزدیک می‌شویم، حال و هوای شهر و آدم‌ها تغییر می‌کند. خیابان‌ها چراغانی می‌شوند، بوی عود و اسپند می‌آید و در کوچه‌ها شیرینی و شربت پخش می‌کنند. این شادی به خاطر تولد امام زمان (عج)، آخرین امام شیعیان و منجی بشریت است؛ موعودی که با ظهورش جهان را از ظلم و ستم پاک خواهد کرد.

امام زمان (عج) در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ قمری متولد شدند. دشمنان آن حضرت که یازده امام پیشین را شهید کرده بودند، قصد داشتند به ایشان هم آسیب برسانند؛ به همین دلیل، امام زمان (عج) به اذن خداوند از دیده‌ها غایب شده‌اند، اما همیشه بر اعمال مؤمنان و محبان خود ناظرند و در سختی‌ها از آن‌ها حمایت می‌کنند.

فصل جوانی

در تقویم، روز چهارم فروردین، مصادف با یازدهم شعبان، «روز جوان» نام‌گذاری شده است؛ روزی که علی‌اکبر (ع) در خانه امام حسین (ع) به جهان چشم گشودند.

علی‌اکبر (ع) از همان دوره کودکی، از نظر کسانی که در دوره پیامبر (ص) زیسته و ایشان را دیده بودند، در اخلاق شباهتی شگرف به رسول اکرم (ص) داشتند. ایشان، در روز عاشورا، پس از شهادت یاران امام حسین (ع)، اولین فرد از بنی‌هاشم بودند که وارد میدان نبرد شدند و بعد از جنگی سخت با دشمنان اهل‌بیت، به شهادت رسیدند. زندگی علی‌اکبر (ع)، رشادت‌های ایشان برای دفاع از حق و اسلام و ایستادگی‌اش در برابر دشمنان، الگوی خوبی برای جوانان مؤمن و آزادی‌خواه است. این روز بر تمام جوانان و شما هنرجویان عزیز مبارک‌باد.

روز ایران

حدود دوماه بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی، امام‌خمينی(ره)، با وجود آنکه از حمایت‌های مردم انقلابی و رشادت‌های ایشان برای تشکیل نظام اسلامی آگاه بودند، فرمانی صادر کردند تا در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸، همه‌پرسی «جمهوری اسلامی، آری یا خیر» برگزار شود. طبق این فرمان، واجدین شرایط برای شرکت در انتخابات، بین دو برگه به‌هم‌چسبیده که سمت سبز آن «آری» و سمت سرخ‌رنگ آن «خیر» آمده بود، یکی را انتخاب می‌کردند و در صندوق آرامی انداختند. در این انتخابات جمهوری اسلامی با ۹۸/۲ آرا انتخاب شد. مردم ایران در انتخاباتی آزادی‌جویی طرف، موضع و انتخاب خود را به جهانیان اعلام کردند. دوازدهم فروردین «روز جمهوری اسلامی ایران» نامیده شده است.



همچنین، به زیبایی فرموده است: «اندازه کن، سپس بپر. بیندیش، سپس بازگویی و بسنج، سپس به کار برخیز» (همان، ص ۵۴۵). ممکن است کسی تصور کند بد هم نیست در هر کاری سررشته‌ای پیدا کنیم؛ درست است که کسب و کارهای متفاوت تجربه‌هایی نیز به همراه دارند، اما اگر بخواهیم آدم موفق و کاربلدی باشیم، بهتر است در یک زمینه کاری تجربه و تخصص پیدا کنیم. تمام اشخاص موفق و صاحب نام در سطح جامعه معمولاً به همین شکل در کار خودشان صاحب اسم و رسم شده‌اند.

ارزش تداوم عمل

یادتان باشد، یک کار تمام بهتر است از هزار کار ناتمام. از همین روست که در آموزه‌های دینی به پیوستگی عمل و ایستادگی بر آن که لازمه پیوسته‌بودن کار است، تأکید شده است. پیامبر (ص) فرموده است: «برترین عمل با دوام‌ترین آن‌هاست؛ هر چند اندک باشد» (الحیة، ۱۳۹۱: ۵۰۵). امام باقر (ع) نیز فرموده است: «درست‌ترین کارها نزد خدای بزرگ کاری است که بنده بر آن مداومت کند» (پیشین). آری، ارزش کار به تداوم آن است. البته این آموزه‌ها مصداق‌های گوناگونی دارند و در همه کارهای مثبت می‌توان از آن‌ها سود جست و به آن‌ها استناد کرد.

منابع

۱. محمدرضا حکیمی و دیگران. الحیة. جلد ۵. ترجمه احمد آرام. دلیل ما. تهران. ۱۳۹۱.
۲. حسین بن محمد تقی نوری. مستدرک الوسائل و ... جلد ۲. مؤسسه اهل‌البیت. قم. ۱۴۰۸ ق.

حساب سرانگشتی

ساعت نیروی کار هدر می‌رود. در حالی که اگر خر نازنینم و پسرم این مدت را صرف کار در مزرعه می‌کردند و به‌طور مثال کدوتنبل می‌کاشتند، می‌توانستم هر سال حدود ۴۰۰ کیلو کدوتنبل اضافی برداشت کنم.»

مرد گفت: «می‌بینم که از حساب و کتاب خیلی خوب سر در می‌آوری. پس چرا برای آوردن آب به روستا، کانال نمی‌زنید؟»

کشاورز جواب داد: «به این راحتی که فکر می‌کنی نیست. بین رودخانه و روستای ما تپه‌ای هست که برای کندن کانال باید آن را از سر راه برداریم. با یک حساب سرانگشتی، اگر خرم و پسرم به جای آوردن آب از رودخانه، شروع به کندن کانال کنند، با دو ساعت کار در روز، پانصد سال طول می‌کشد تا کانال را حفر کنند. من که دیگر پیر شده‌ام. خیلی عمر کنم، سی سال دیگر زنده‌ام و امکان ندارد آن روز را ببینم. پس برای من، آوردن آب از رودخانه به‌صرفه‌تر است.»

– مگر کندن کانال فقط وظیفه‌توست؟ این همه خانواده در این روستا زندگی می‌کنند!

– حق با شماست؛ دقیقاً صد خانواده در این روستا زندگی می‌کنند. اگر هر خانواده یک خر و یک پسر را دو ساعت در روز برای کندن کانال بفرستند، کار پنج سال طول می‌کشد.

– چرا به همسایه‌ها پیشنهاد نمی‌کنی آستین‌ها را بالا بزنند و کندن کانال را با هم انجام بدهند؟

– خب، اگر من بخواهم با یکی از همسایه‌ها درباره موضوع مهمی حرف بزنم، آداب خاصی دارد. باید به خانه دعوتش کنم، با چای و حلوا از او پذیرایی کنم، از اوضاع آب و هوا حرف بزنم، از محصول و کشت و کارش بپرسم و کم‌کم حرف را بکشانم به خانواده‌اش و بگویم پسرهای چطورند، دخترهای چطورند، نوه‌های خوشگلت چه کار

روزی مرد دانشمندی گذرش به روستایی افتاد که اهالی آن به حسابگری معروف بودند. چون دیروقت بود، شب را در خانه یکی از روستاییان اقامت کرد. صبح روز بعد متوجه شد در روستای آن‌ها چاه آب وجود ندارد. هر روز کله سحر، اهالی روستا تعدادی ظرف‌های خالی را بار الاغ‌هایشان می‌کردند تا بروند از رودخانه‌ای که یک ساعت تا روستای آن‌ها فاصله داشت، آب بیاورند.

مرد از کشاورزی که شب را در خانه او گذرانده بود، پرسید: «به جای اینکه هر روز این راه طولانی را یک ساعت بروید و یک ساعت هم برگردید، بهتر نیست آب خود را از همین روستا تأمین کنید؟» کشاورز گفت: «البته که بهتر است. هر روز دو ساعت از وقت خر و پسرم که خر را می‌راند، صرف آوردن آب می‌شود. اگر خر را با پسر مساوی فرض کنیم، با یک حساب سرانگشتی، هر سال ۱۴۶۰



هر آدم عاقلی می‌داند، وقتی کانال کنده شد، همه از آن برداشت خواهند کرد؛ چه آن‌هایی که همکاری کرده باشند و چه آن‌هایی که همکاری نکرده باشند!»

مرد دانشمند گفت: «همین‌طور است. حتی اگر بخواهید، نمی‌توانید در سرتاسر کانال نگهبان بگذارید و دیگران را از برداشتن آب منع کنید.»

کشاورز گفت: «مشکل همین‌جاست. آن‌هایی که از زیر کار شانه خالی کرده‌اند، به اندازه آن‌هایی که زحمت کشیده‌اند، مفت و مجانی از آب برداشت خواهند کرد.»

- راستش عقل من به این‌جا قد نداده بود.

- بلکه مهمان عزیز. مشکل که یکی‌دوتا نیست! چون همه اهل حساب و کتاب هستند، به بهانه‌های متعدد از کارشان خواهند زد. یک روز خواهند گفت خرشان می‌لنگد. روز بعد یکی از افراد خانواده‌شان سرما خواهد خورد. یک روز هم زنشان مریض خواهد شد و پسر و خرشان را برای آوردن دکتر به شهر خواهند فرستاد و همین‌طور تا آخر. به این ترتیب، چون همه ما آدم‌های حسابگری هستیم، خوب می‌دانیم که وقتی کار شروع شود، عده زیادی مریض و علیل مصلحتی خواهیم داشت. برای همین هیچ کدام حاضر نیستیم خر و پسرمان را برای کندن کانال بفرستیم.

مرد دانشمند گفت: «تسلیم! باید اعتراف کنم دلایل شما خیلی قانع‌کننده‌اند.» آن‌گاه به فکر فرو رفت. پس از مدتی ناگهان با صدای بلند گفت: «راستی! دو روز قبل از اینکه به روستای شما برسم، آن طرف کوهستان، روستای سرسبزی دیدم که قبلاً عین همین مشکل را داشتند، اما از بیست سال پیش کانال کنده بودند.» کشاورز گفت: «این‌طور که می‌گویی، احتمالاً آن‌ها آدم‌های ساده‌ای هستند و از حساب و کتاب سر در نمی‌آورند!»

می‌کنند و همین‌طور تا آخر. بعد دیگر هوا تاریک می‌شود و باید شام بخوریم. بعد از شام دوباره بساط چای را روبه‌راه می‌کنم. آن وقت نوبت او می‌شود که از اوضاع مزرعه من و حال و احوال خانواده‌ام و غیره جویا شود. بعد از همه این‌ها، عاقبت خیلی نرم و آهسته باید موضوع اصلی، یعنی کندن کانال را با او در میان بگذارم.

با این حساب، برای صحبت با هر همسایه، یک روز کامل وقت لازم است. همان‌طور که گفتم، ما صد خانواده‌ایم؛ با یک حساب سرانگشتی، ۹۹ روز طول می‌کشد تا منظورم را به تک‌تک همسایه‌ها حالی کنم. باید قبول کنی که من نمی‌توانم ۹۹ روز پشت سر هم کارم را رها کنم و با همسایه‌ها جلسه بگذارم. اگر این کار را بکنم، تمام محصولم از بین می‌رود. بهترین کار این است که هر هفته یک همسایه را برای طرح موضوع کانال به خانه دعوت کنم. چون هر سال ۵۲ هفته است، حدود دو سال طول می‌کشد تا موضوع را به تمام همسایه‌ها بگویم.

همسایه‌های من آدم‌های حسابگری هستند و با شناختی که از آن‌ها دارم، در نهایت قبول خواهند کرد که کندن کانال و آوردن آب به روستا کار خوبی است. من آن‌ها را خیلی خوب می‌شناسم. شک نداشته باش که بالاخره خواهند گفت، اگر بقیه همکاری کنند، آن‌ها هم کمک خواهند کرد. بنابراین، بعد از دو سال باید دوباره شروع کنم به دعوت کردن همسایه‌ها تا بگویم فلانی و فلانی قول همکاری داده‌اند، شما هم قبول کنید.

مرد دانشمند گفت: «زحمتش زیاد است. اما این‌طوری لااقل بعد از چهار سال می‌توانید کندن کانال را شروع کنید و یک سال بعد از شروع حفاری هم کانال را کامل کنید.» کشاورز گفت: «هنوز یک موضوع پیچیده باقی مانده است.



وجداناً فیلم بسازیم


رشته فیلم سازی





عزیزانم! همین الان گوشی‌های هم‌هاتان را آماده کنید. هر جا که هستید، دوروبرتان را خوب ببینید. خب، حالا چه موضوع جالبی برای فیلم گرفتن می‌بینید؟ همان را فیلم بگیرید و به اشتراک بگذارید. پنج دقیقه وقت دارید. من برمی‌گردم.



 پنج دقیقه بعد



خانم، داریم فیلم می‌گیریم. می‌خواهم صحنه طبیعی باشد!



خانم اینجا تصادف شده!



بچه‌ها! بچه‌ها!



چشم‌های مگس است؛ پاهایش را بسته‌ام فرار نکنند!



خانم این کوسفند از رنگ لباس من خوشش آمده است و هر جا می‌روم دنبالم می‌آید... آخ!

بع بع!

سه شاخه دیجیتالی

رشته شبکه و نرم افزار که با نام رشته رایانه شناخته می شود، رشته ای است در حال رشد و متنوع که محتوای آموزشی آن، با پیشرفت فناوری، به طور مداوم تغییر می کند. با توجه به گسترش روزافزون فناوری اطلاعات در زندگی انسان و گسترش شغل های رشته های مربوط به آن، نیاز به داشتن علم و دانش در این زمینه و چگونگی انتخاب مسیر صحیح بسیار مهم است.

اغلب هنرجویان و دانش آموختگان رشته رایانه دو مشکل اساسی پیش رو دارند:

نداشتن اطمینان به انتخاب خود برای ادامه تحصیل و پیدا کردن شاخه مناسب تحصیلی، و در نهایت یافتن شغل مناسب

تجربه مشاوره انتخاب رشته تحصیلی نشان داده است، بعضی از دانش آموزان شناخت و درک درستی از رشته خود ندارند و بر اساس دیده ها و شنیده ها در مورد بازار کار این رشته و نیز با این تصور که از آموخته های رشته شان برای انجام کارهای عمومی روزانه و اپراتوری یا انجام بازی های رایانه ای استفاده می شود، وارد این رشته می شوند. حال آنکه مطالعه درست و دقیق درباره مسیر رشته تحصیلی، به موفقیت فرد و کم شدن آمار بیکاری کمک می کند.

رشته رایانه ترکیبی از حفظیات، ریاضیات و استفاده از آن ها به وسیله هوش است. بنابراین، هنرجو باید قدرت تجزیه و تحلیل بسیار قوی و خلاقیت داشته باشد تا بتواند مسائل را حل کند. متأسفانه، بعضی از افراد، بدون در نظر گرفتن موارد ذکر شده وارد این رشته می شوند و این شریط سبب سرخوردگی یا تغییر رشته و در نهایت هم مشغول به کار شدن در رشته غیر تخصصی، با وجود داشتن تحصیلات عالی، می شود.

انتخاب شاخه نامناسب برای ادامه تحصیل و ورود به بازار کار

شاید تحصیل در رشته رایانه با خیلی از رشته های دیگر تفاوت داشته باشد! دلیل اصلی آن هم گسترش و به روز شدن مداوم دانش رایانه ای است. از این رو، بهتر است هنرجویان پس از تحصیلات هنرستان و آشنایی با درس های رشته خود، شاخه تحصیلی و کاری



مورد علاقه خود را انتخاب کنند و تا انتهای آن بروند. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به گسترش و به روزرسانی آن، علم رایانه انتها ندارد! متأسفانه برخی از کسانی که در این رشته تحصیل می کنند، این تفکر را دارند که باید تمام شاخه های این رشته را بیاموزند. اما نکته مهم این است که یادگیری تمام این شاخه ها، حتی اگر هم امکان پذیر باشد، سطحی خواهد بود، زیرا هر شاخه دنیای بسیار وسیع و بی نهایتی دارد. دیگر تفاوت این رشته با سایر رشته ها این است که یادگیری علوم رایانه ای را نباید به تحصیلات هنرستان و دانشگاه محدود کرد، زیرا واقعیت ماجرا این است که تحصیلات دانشگاهی نمی تواند تمام مطالب حدودی آن ها را به دانشجو آموزش بدهد. از طرف دیگر، نیاز بازار کار تا حدودی با تحصیلات دانشگاهی فاصله دارد. در دانشگاه ریشه و اساس مطالب هر رشته آموزش داده می شود، نه تخصص یک شاخه خاص! با توجه به مطالب گفته شده، هنرجویان باید در مرتبه اول شاخه یا شاخه های آموزشی و کاری خود را انتخاب و سپس به این مورد دقت

رایانه‌ای و اجزای فیزیکی مربوط به دستگاه‌های رایانه‌ای، و شامل فرایند طراحی و توسعه کلیه سخت‌افزارهای مرتبط با الکترونیک است. بنابراین، درس‌های تخصصی آن تا حدود زیادی مشابه درس‌های رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) است. در این گرایش معمولاً مجموعه‌های سخت‌افزاری رایانه شناخته می‌شوند. این شناخت شامل انجام کارهای آموزشی، پژوهشی و صنعتی در رابطه با بخش‌های سخت‌افزاری رایانه از قبیل بردها، قطعات، تجهیزات و در کل دستگاه‌های رایانه در اندازه‌های گوناگون است.

نرم‌افزار: فرایند تولید، طراحی و عیب‌یابی نرم‌افزار برای استفاده کاربران است. می‌توان گفت این گرایش بیشترین بازار کار را دارد.

فناوری اطلاعات: ماهیت میان‌رشته‌ای دارد و از تلفیق رشته‌هایی مانند مدیریت، مهندسی صنایع، مهندسی الکترونیک و مهندسی رایانه تشکیل شده است. این رشته بیشتر روی مدیریت پروژه‌های فناوری اطلاعات تمرکز دارد.

شغل‌های گرایش سخت‌افزار: این گرایش در ایران، به دلیل اینکه در عرصه‌های تحقیقاتی و تولیدی بازار کار مناسبی وجود ندارد، خیلی مورد توجه نیست. در بازار کار جهانی می‌توان به طراحی سخت‌افزار جدید، به‌روز کردن تجهیزات موجود رایانه برای آماده‌شدن در کار با نرم‌افزارهای جدید، تعمیر قطعات رایانه و اجزای مربوطه، و ساخت و آزمایش تجهیزات و مدل‌های رایانه‌ای در شرکت‌های طراحی دستگاه‌های رایانه‌ای و سازمان‌های دولتی اشاره کرد.

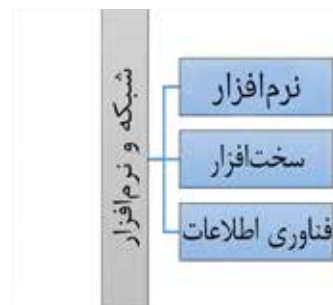
شغل‌های گرایش نرم‌افزار: حیطه کاری گرایش نرم‌افزار بیشترین محدوده را دربر می‌گیرد که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: تحلیل، تولید و پشتیبانی نرم‌افزار؛ برنامه‌نویسی؛ طراحی وب و پایگاه داده؛ تأمین امنیت اطلاعات؛ تحلیل دستگاه‌های رایانه‌ای؛ داده‌ورزی پزشکی و پرستاری؛ طراحی بازی، سیستم‌ها و روش‌ها؛ تولید محتوای الکترونیکی.

شغل‌های گرایش فناوری اطلاعات: طراحی سامانه‌هایی از جمله: سامانه محاسباتی انسان‌محور؛ تجارت و پرداخت الکترونیک؛ دستگاه‌های چندعاملی؛ یادگیری الکترونیک؛ دستگاه‌های اطلاعات پزشکی؛ شبکه‌های اجتماعی، داده‌کاوی، بازیابی، پردازش، و ترکیب اطلاعات؛ و نیز طراحی سامانه‌های علوم شبکه و مخابرات، بیوانفورماتیک و پردازش‌های چندرسانه‌ای.

البته هر شغل گرایش و زیرشاخه‌های متعددی دارد. هنرجویان در طول تحصیل در هنرستان، با زمینه کاری تمام گرایش‌ها آشنا می‌شوند و همان‌طور که ذکر شد، می‌توانند پس از اتمام دوره هنرستان، گرایش و شاخه کاری خود را انتخاب کنند تا در مسیر رسیدن به اهداف خود موفق‌تر باشند.



کنند که نسبت به علم جهانی رایانه به‌روز باشند. در اینجا، برای کمک به هنرجویان رشته شبکه و نرم‌افزار در انتخاب صحیح مسیر تحصیلی و شغلی، گرایش‌های اصلی این رشته آمده‌است: رشته شبکه و نرم‌افزار را می‌توان به سه شاخه اصلی تقسیم کرد:



سخت‌افزار: فرایند طراحی، توسعه، آزمایش و تولید دستگاه‌های

بفرمایید دانشگاه

بعضی‌ها می‌گویند هنرستانی‌ها به دانشگاه نمی‌روند و بعضی دبیرستانی‌ها هم گله می‌کنند هنرستانی‌ها راحت به دانشگاه می‌روند! با دوستانتان که صحبت کردیم، نمی‌دانستند مسیر صحیح ادامهٔ تحصیل دانشگاهی هنرجویان چگونه است. در این صفحه مسیر را ببینید.

راه ورود
دانش‌آموختگان
۲۰۰ رشته
فنی و حرفه‌ای
و کار دانش به
دانشگاه

هنرستانی‌ها می‌توانند در کنکور سراسری شاخهٔ نظری شرکت کنند. دبیرستانی‌ها هم می‌توانند در کنکور فنی و حرفه‌ای شرکت کنند.

طبیعی است که هر دانشگاه تعدادی از این ۹ رشته را دارد و تعدادی را ندارد.

دانشگاه‌های کاردانی

پیوسته با آزمون تهران

- دانشکدهٔ شمسی پور
- دانشکدهٔ انقلاب اسلامی
- دانشکدهٔ شریعتی
- آموزشکدهٔ شهید بهشتی
- دانشکدهٔ ولیعصر
- آموزشکدهٔ ۱۷ شهریور
- مؤسسهٔ هنر و معماری پارس

۹ رشته با آزمون کنکور سراسری

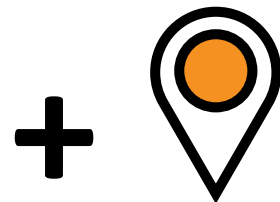
(آزمون به خاطر تعداد زیاد متقاضی و ناکافی بودن مراکز دانشگاهی صورت می‌گیرد.)

رشته‌ها

الکترونیک، کامپیوتر، مکانیک خودرو، تأسیسات مکانیکی، نقشه‌کشی معماری، حسابداری، تربیت بدنی، گرافیک، صنایع غذایی.



دانشگاه‌های دولتی (کاردانی پیوسته)
پیام نور



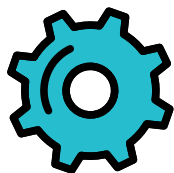
در حدود ۳۰ رشته
بدون آزمون، با
شرط معدل و سوابق
تحصیلی
فقط معدل کل سه
ساله دیپلم ملاک
است.

الکترونیک، ساخت و تولید، صنایع فلزی، صنایع چوب و میلمان، چاپ،
ساختمان، صنایع شیمیایی، صنایع نساجی، متالوژی، سرامیک، معدن،
ناوبری، الکترونیک و مخابرات دریایی، مکانیک موتورهای دریایی، امور
اداری، تربیت کودک، مدیریت خانواده، طراحی و دوخت، هنرهای تجسمی،
نقاشی، امور اداری، امور زراعی و باغی، ماشین‌های کشاورزی، موسیقی،
هتلداری و گردشگری، حمل‌ونقل، مکاترونیک، پویانمایی، فتوگرافیک،
معماری داخلی، صنایع دستی.

مراکز علمی و کاربردی
(کاردانی پیوسته)

شرکت در کنکور
کارشناسی، همراه با
فارغ التحصیلان نظری

پذیرش در این
دانشگاه‌ها، چه
برای دانش‌آموزان
رشته ریاضی و چه
فنی، تلاش زیادی
نیاز دارد!



دانشکده‌های
فنی و حرفه‌ای

- مهاجر (اصفهان) - منتظری (مشهد)
- شهید بابایی (قزوین) - شریعتی (کرج)

دانشگاه‌های دولتی

- نوشیروانی بابل - خواجه نصیر
- صنعتی شریف - هنر تبریز
- هنر دامغان - شیراز

دانشگاه‌های آزاد

بیشتر شهرها در همه استان‌ها
دانشکده‌های آزاد فنی دارند.



به دنبال مشتری

«بدو بدو هندوانه ... هندوانه شیرین، به شرط چاقو. بدو بدو هندوانه... خودت را زود برسان تا تمام نشده!»
حتماً شما هم شاهد چنین جازدن‌هایی بوده‌اید! به خصوص زمانی که بساط دست‌فروش‌ها برپا می‌شود. در واقع، دست‌فروش‌ها از این روش برای جذب مشتری استفاده می‌کنند. البته جذب مشتری به این روش منحصر نیست. هر کسب و کاری برای جذب مشتری از روش مخصوص به خود استفاده می‌کند.

تولیدکنندگان مایع ظرف‌شویی سعی می‌کنند نیازی را در ذهن مصرف‌کننده شکل بدهند. برای مثال، در تبلیغات خود ویژگی خاصی مثل بوبری قوی، نبود نیاز به خشک کردن ظرف‌ها پس از شستن، قابلیت تمیز کردن ظرف‌های استیل، یا ظرف‌شویی و آبکشی راحت را مطرح می‌کنند.

ممکن است این ویژگی‌ها مورد پسند شما باشند، اما تا قبل از مشاهده این تبلیغات، شما چنین نیازی را حس نمی‌کردید. این تبلیغات باعث شده است شما اکنون نیاز به خرید چنین محصولی را در ذهن خود حس و در نهایت اقدام به خرید کنید. برخی از تولیدکنندگان مواد غذایی هم برای جذب مشتری، نمونه رایگان ارائه می‌دهند. مشتریان با خوردن یا نوشیدن این نمونه‌های رایگان در فروشگاه‌های بزرگ مجذوب این محصولات می‌شوند و اقدام به خرید می‌کنند.

همان‌طور که در شکل می‌بینید، شرکت آب و فاضلاب برای جلب توجه مصرف‌کنندگان به کمبود آب، در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷، در نشان تجاری خود موضوع کمبود آب را به شکلی خلاقانه نشان داده است تا روی مصرف‌کنندگان تأثیر بیشتری بگذارد.

تاکسی‌های اینترنتی هم برای جذب مشتری تخفیف‌های جذابی ارائه می‌کنند. مشتریان بعد از استفاده از این تخفیف‌ها، نسبت به شرکت ارائه‌کنندگان خوش‌بین می‌شوند و در سفرهای بعدی از آن شرکت استفاده خواهند کرد. محدودیت در فروش نیز روش دیگری است که برخی از فروشندگان از آن استفاده می‌کنند. برای مثال، در خیلی از فروشگاه‌های اینترنتی، تعداد محصولات موجود در انبار را به اطلاع شما می‌رسانند تا مثلاً با دیدن جمله «تنها سه عدد دیگر در انبار



شهر در دستان شماست



- محصول یا خدمات به چه نیاز ویژه‌ای پاسخ خواهد داد؟
- رقبای شما چه کسانی هستند؟
- چگونه می‌توانید با رقبای خود رقابت کنید؟
- چگونه مشتریان هدف خود را در مورد محصول یا خدمات خود مطلع خواهید کرد؟
- شعار ویژه کسب و کار شما که در فعالیت‌های تبلیغاتی خود از آن استفاده خواهید کرد چیست؟
- پاسخ به این سؤالات نمی‌تواند به صورت مستقیم راه‌حلی برای بازاریابی محصول یا خدمات شما ارائه دهد، اما می‌تواند به شما کمک کند بهتر در این زمینه ایده‌پردازی کنید. بازاریابی محصول یا خدمات شما ویژه محصول شماست و شما باید این روش را کشف کنید. شما هنرمند هستید و بازاریابی نیز یک هنر است.

موجود است»، به خرید آن محصول ترغیب شوید. در واقع، تولیدکنندگان با ایجاد تغییرات خلاقانه در طراحی، تولید، بسته‌بندی، توزیع یا فروش محصول خود، سعی می‌کنند هم مشتریان قدیمی خود را حفظ کنند و هم مشتریان جدیدی را به محصولات خود جذب کنند. به این کار بازاریابی گفته می‌شود. شما نیز به عنوان مدیر کسب و کار لازم است از طریقی هنرمندانه محصول خود را به مشتری بالقوه معرفی کنید و آن‌ها را به محصول خود جذب کنید. هر چند این کار با قوه خلاقیت شما در ارتباط است، اما پاسخ به سؤالات زیر می‌تواند به میزان قابل قبولی این مسیر را برای شما روشن کند:

- محصول یا خدمات کسب و کار شما چیست؟
- ویژگی‌های اصلی محصول یا خدمات شما چیست؟
- هدف تولیدی شما در یک ماه یا یک سال به چه میزان است؟ (به چند نفر در طول سال خدمات ارائه خواهید داد؟)
- در چه شرایطی از محصول یا خدمات شما استفاده خواهد شد؟
- برتری محصول شما نسبت به سایر محصولات مشابه موجود در بازار چیست؟
- مشتریان بالقوه شما چه کسانی هستند؟ (انواع مشتریان یا کاربران محصول یا خدمات خود را مشخص کنید)
- از بین تمام مشتریان احتمالی که شما شناسایی کرده‌اید، بر کدام دسته از آن‌ها تمرکز بیشتری دارید؟
- چرا بر این دسته از مشتریان تمرکز خواهید کرد؟
- چرا مشتریان هدف شما به محصول یا خدمات شما نیاز دارند؟

سوپر استار بازاریابی شبکه‌ای شوید



نویسنده: مری کریستین
مترجم: مهرداد فروزنده
ناشر: آموخته
سال نشر: ۱۳۹۶
تلفن: ۰۳۱-۳۲۶۱۶۳۶۰

پلايومترك

اگر فضای زیادی در اختیار ندارید، می‌توانید در فضای کوچک هم ورزش خود را انجام دهید. پیشنهاد می‌کنیم کمی به حرکات «پلايومترك» بپردازید. شاید با دیدن عبارت «پلايومترك» فکر کنید با حرکاتی بسیار پیچیده و سخت روبه‌رو خواهید شد، اما نه! معنای این عبارت بسیار ساده است. هر نوع تمرینی که در آن پریدن، جهیدن سریع و جست‌وخیز باشد، نوعی تمرین «پلايومترك» به شمار می‌رود. با هم چند تا از این تمرین‌ها را انجام می‌دهیم.

نحوه درست پریدن

برای پریدن به جلو یا بالا چه مراحل را انجام می‌دهید؟ قبل از هر چیز پاها نزدیک به هم قرار می‌گیرند. می‌توان پاها را جفت کرد. پس از آن، زانوها را خم می‌کنید، در حالی که دستانتان هم خم شده و به جلو و عقب تاب می‌خورند. در این شرایط، آماده پریدن هستید؛ چه به سمت جلو و چه به بالا.

این کار در ابتدا آسان به نظر می‌رسد. حالا سعی کنید چندین بار پشت سرهم بپرید و در شرایطی که به بالا پریده‌اید، زانوهایتان را خم بالا بیاورید و تا حد امکان، به سینه نزدیک کنید. تلاش کنید در سه ست ۱۲ تایی این کار را انجام دهید و در فاصله هر ست و ست بعدی، دو دقیقه استراحت کنید. چطور بود؟ فکر می‌کردید ضربان قلبتان تا این حد بالا برود؟

پرش جفت پا

حالا بیاید پرش جفت را به سمت جلو انجام بدهید. اگر در فضای بزرگی این کار را انجام می‌دهید، می‌توانید در پرش‌های جفت خود، به شکلی متوالی به سمت جلو بروید. به این شکل که باز هم دستانتان را خم کنید و به جلو و عقب تاب دهید. در همان حال زانویتان را خم کنید و باسن را پایین آورید. حالا نوبت پریدن شما رسیده است. پس از آنکه به جلو پریدید، از همان نقطه مجدداً به همین شکل به جلو بپرید.

اگر فضای زیادی در اختیار ندارید، می‌توانید یک بار به جلو بپرید و بعد در مسیر برعکس بپرید و دوباره به نقطه ابتدایی برگردید. باز هم سه نوبت ۱۲ تایی این کار را انجام دهید. هر چه سرعت شما در این حرکت بیشتر باشد، بیشتر به نفس نفس می‌افتید!



بپر و جهش کن!

آشنایی با تمرینات پلايومترك

بعد از مدت طولانی حضور در کلاس درس (آنلاین یا حضوری!) بدن انسان احتیاج فراوانی به فعالیت دارد. کمی جست‌وخیز و بالا رفتن ضربان قلب در این شرایط می‌تواند بسیار مفید باشد و توان تنفسی‌تان را بالا ببرد. از طرف دیگر، بیشتر این فعالیت‌ها به زمینی بزرگ برای دویدن و تمرین نیاز دارند.



پریدن با یک پا

می‌توانید تمام این حرکات را با یک پا هم انجام دهید. مثلاً در حالی که به سمت جلو یا بالا بپرید که در حالت «لی» هستید و فقط یک پایتان روی زمین است. طبیعی است این کار سخت‌تر باشد و انجام آن دشوارتر. پس بهتر است ابتدا با دو پا پرش کنید و آرام آرام این کار را با تک پا بکنید. وقتی هم تصمیم گرفتید این حرکات را با یک پا انجام دهید، حتماً تعداد ست‌های برابری را برای دو پای راست و چپ خود در نظر بگیرید و فقط از پای قوی‌تر خود استفاده نکنید. نکته مهم دیگر در این نوع حرکات این است که درست مثل دویدن، هیچ وقت در هنگام پریدن قاب پای خود را روی زمین نگذارید، بلکه در حالی فرود بیایید که روی پنجه پای استاده‌اید. یادتان باشد، فشار بیش از حد به قاب پا، می‌تواند به ستون فقرات شما فشار بیاورد.

کمک‌گرفتن از چهارپایه یا صندلی

اگر یک چهارپایه داشته باشید، می‌توانید در پرش‌های خود، از این وسیله نیز به خوبی کمک بگیرید؛ با این شرط که این چهارپایه روی زمین محکم قرار گرفته باشد و در اثر برخوردهای کوچک، مکان آن تغییر نکند و روی زمین نیفتد. حالا می‌توانید به سرعت در همان نوبت‌های قبلی (سه نوبت ۱۲ تایی) روی چهارپایه بپرید و پس از پریدن روی آن، به جلو و پایین چهارپایه بپرید. اگر فضای مناسب در اختیار ندارید، فقط کافی است بعد از پریدن روی چهارپایه، بدون تغییر جهت خود، مجدداً در جایی که از آن پریده‌اید، فرود بیایید. کار دشواری نیست. اما با تکرار آن، می‌بینید که لحظه به لحظه سخت‌تر می‌شود! (یک صندلی که به دیوار تکیه داده شده است، وسیله مناسبی برای این حرکت است. البته به این شرط که به اندازه کافی محکم باشد و با پریدن روی آن، به اموال خانواده خسارت نزیند!)

زیادکردن تعداد حرکات

حرکاتی که با آن‌ها آشنا شدید، در ابتدا برایتان سخت است و شاید نتوانید در سه نوبت ۱۲ تایی آن‌ها را انجام دهید. اما اگر این کار را به‌طور مستمر انجام دهید، به مرور توانایی‌تان آن قدر بالا می‌رود که دیگر این کار را به راحتی انجام می‌دهید. در این شرایط هم بهتر است به اعداد گفته شده قناعت نکنید و کم‌کم این تعداد را بالا ببرید. مثلاً به مرور این حرکات را در سه نوبت ۱۵ تایی انجام دهید و این عدد را هم افزایش دهید.

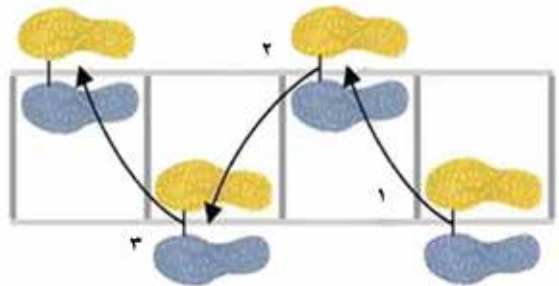
پرش زیگزاگ

پریدن به اطراف به صورت زیگزاگ، نوع دیگری از پریدن است که می‌تواند توان شما را بالا ببرد. کافی است مطابق شکل، به نقاطی که مشخص شده، پرش کنید. می‌توانید به جای حالت زیگزاگ، به کنار بپرید. یعنی در حالی که پایتان جفت است، به جای پریدن به جلو یا بالا، به سمت راست خود پرش کنید و سپس به سرعت به محل اول ایستادن خود بپرید. باز هم سه نوبت ۱۲ تایی برای این حرکت مناسب است.

حرکات اصلاحی



نویسندگان:
مسعود گلیپاگانی، محمد
خرمی مقدم، آیت طهماسبی
ناشر: بامداد کتاب
سال نشر: ۱۳۹۴
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۱۲۴۴



مدال چوبی

به دور است، مهم‌ترین تأثیر را در زندگی او گذاشت. کار با نرم‌افزارها، طراحی و الگوی اولیه روی چوب، از مهارت‌هایی بود که با دانستن علم رایانه به دست آورد.

ورود به جهان ناشناخته‌ها

پیدا کردن راه‌های گوناگون برای رسیدن به موفقیت یکی از هزاران تخصص بهنام بود. هنرستان برای او علاوه بر اینکه محلی برای یادگرفتن رشته‌اش بود، راهی را به بهنام نشان داد که تا همین امروز موفقیت‌هایش را از آن راه به دست آورده است.

روزی معلم زبان هنرستان بهنام به شاگردانش خبری داد که نه تنها زندگی بهنام، بلکه ورزشی به نام «کایت‌برد» را تحت تأثیر قرار داد. آقای معلم پیشنهاد داد هر کدام از شاگردانش که می‌خواهند، می‌توانند در کلاس‌های «غواصی» شرکت کنند. بهنام آن موقع علاوه بر نجاری علاقه دیگری پیدا کرد؛ عشق به کشف ناشناخته‌ها و آشنایی با جهانی عجیب و غریب. این علاقه او را به کلاس‌های غواصی برد.

زندگی روی آب

حدود سیزده-چهارده سال پیش مجموعه تفریحی «کیبل اسکی کیش» افتتاح شد. بهنام صبح‌ها به هنرستان، بعد از ظهرها به کیبل اسکی و شب‌ها به کارگاه نجاری پدرش می‌رفت. او که همیشه منتظر فرصتی برای تجربه کردن کارهای جدید بود، در کیبل اسکی، ورزش اسکی روی آب را شروع کرد.



صد و چند سال پیش در یک روز ابری یا آفتابی، آنتوان چخوف، نویسنده روس، با یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های زندگی‌اش مواجه شد. او نمی‌دانست با داستانی که کارنامه ادبی‌اش را به سمت افول برده و منتقدان را عصبانی و خوانندگان را ناراضی کرده بود، چه کار کند. داستان ضعیف او می‌توانست پایانی بر دوران اوج نویسندگی‌اش باشد، اما آنتوان نگذاشت این اتفاق بیفتد. او دست‌ان‌ش را بر زانویش گذاشت و به زبان روسی چیزی گفت که چون روسی بلد نیستیم، نمی‌دانیم چه گفت! اما احتمالاً مضمون حرفش این بود: «من تسلیم نمی‌شوم و از این شکست، موفقیتی بزرگ خواهم ساخت.» آنتوان داستان ضعیفش را به نمایشنامه «دایی‌وانیا» تبدیل کرد که یکی از بهترین نمایشنامه‌های دنیاست. بعضی از آدم‌ها مانند چخوف، از فرصت‌های نه چندان خوب، طوری استفاده می‌کنند که آدم فکر می‌کند اگر چیزهایی که می‌خواستند، سرازیشان قرار می‌گرفت، آن قدر موفق نمی‌شدند. یکی از این آدم‌ها بهنام افتخاری، متولد ۱۳۷۲ و ساکن جزیره کیش است. بهنام دیپلم رشته «تعمیرات تخصصی رایانه» دارد؛ مدال آور و مربی «کایت‌برد»، نجار ماهر و تحصیل کرده رشته گردشگری است. خلاصه بگویم، او همه فن حریف است و از ورزش و هنر و کار فنی بی‌نصیب نمانده است.

شغل پدری

بهنام، مانند بسیاری از آدم‌ها، دوست داشت ایده‌ها و رویاهایش را بسازد و حاصل هنر و خلاقیتش را نشان دیگران بدهد. پدر بهنام نجار بود. همین موضوع او را از کودکی با هنری آشنا کرد که چوب بی‌شکل و رنگ را به وسایلی زیبا، پنجره‌ای رو به خورشید و قایقی روی دریا تبدیل می‌کرد. بهنام از زمانی که هنوز هنرستانی نشده بود، عصرها بعد از تعطیلی مدرسه به کارگاه نجاری پدرش می‌رفت. از همان زمان زنگ نجارشدن او به صدا درآمد. علاقه او به نجاری آن قدری بود که دوست داشت در هنرستان هم رشته‌ای مرتبط با «چوب» را انتخاب کند، اما...

هنرستانی شدن

بهنام می‌خواست هنرستانی شود اما رشته ایده‌آلش در مدرسه‌های نزدیک محل زندگی‌اش تدریس نمی‌شد. پس علاقه بعدی‌اش را انتخاب کرد؛ «تعمیرات تخصصی رایانه»؛ و همین رشته‌ای که تصور می‌کرد از علاقه‌اش

ملی پوش

سال ۱۳۹۸ در سن ۲۶ سالگی بهنام، هیئت کایتبرد مسابقه‌ای ترتیب داد تا بهترین ورزشکاران این رشته در آن شرکت کنند و برندگان عضو تیم ملی کایتبرد شوند. احتمالاً خودتان حدس می‌زنید که بهنام در این مسابقه هم برنده شد و از آن روز به بعد رسماً ملی‌پوش رشته کایتبرد شد.



از آن موقع به بعد، درآمد خوبی هم از این راه به دست آورد. تصمیم گرفت در طرح گردن‌بندها خلاق باشد. به همین دلیل برای ساختن گردن‌بندها به جای چوب‌های معمولی، از چوب بُردهایی استفاده کرد که شکسته بودند و دیگر قابل استفاده نبودند. ایده‌های ناب او در شکل و ظاهر و جنس گردن‌بندها، علاوه بر آنکه مشتریان را برای خرید ترغیب می‌کرد، برای سازمان صنایع دستی کیش هم جالب بود و سازمان، برای ساخت این صنایع دستی، به بهنام فضای کارگاهی داد.

افتخارات افتخاری

او عضو تیم ملی «کایتبرد» است و بیش از انگشتان دو دست در مسابقات مدال و مقام آورده است. یکی از چندین راهی که او با آن‌ها درآمد کسب می‌کند، تدریس کایتبرد به علاقه‌مندان است. ساختن گردن‌بند چوبی با کمک نرم‌افزارهای رایانه‌ای و نجاری یکی دیگر از راه‌های بروز خلاقیت‌ها و ایده‌پردازی‌های بهنام است. بهنام تمام عشق، علم و خلاقیتش را در طراحی و ساخت گردن‌بندها پیاده کرده است؛ گردن‌بندهایی از جنس و طرح کایتبرد که به کمک رایانه طراحی می‌شوند و صاحبش را یاد حال و هوای ساحل می‌اندازند.

اولین مدال

انرژی جوانی و علاقه بهنام به ورزش‌های آبی او را در انجام تمرین‌ها مصمم کرد. وقتی ۱۷ ساله بود، برای شرکت در مسابقه اسکی روی آب در رشته «مونو اسلalom» اعلام آمادگی کرد. حتماً می‌دانید وقتی به بهنام گفتند در این مسابقه «رتبه اول» را کسب کرده است، چه حالی داشت! اسکی روی آب مقدمه‌ای بود برای ماهرشدن بهنام در «کایتبرد» که حالا می‌توان این رشته ورزشی را رشته اصلی او در مدال آوری و مربی‌گری معرفی کرد. مدتی بعد هم در سه دوره مسابقه «ویک‌اسکیت» شرکت کرد و در هر سه دوره روی سکوی اول قهرمانی ایستاد!

کارگاه شخصی

شهرها چه سرسبز باشند چه کویری، چه گرم باشد چه سرد، از نظر کسانی که در آن‌جا زندگی کرده‌اند و خاطره دارند، زیبا هستند. علاقه بهنام به جزیره باعث شد چیزهایی بسازد که حس زندگی ساحلی را به دیگران منتقل کند؛ حس خوبی که خود او با آن بزرگ شده بود. بهنام از دوران نوجوانی در کارگاه پدرش گردن‌بندهای چوبی می‌ساخت و به دوستانش هدیه می‌داد، اما از این راه درآمدی نداشت. بعد از دوره هنرستان که یاد گرفته بود با نرم‌افزارهای رایانه‌ای کار کند، طرح‌های تخصصی‌تری زد و حرفه‌ای‌تر از قبل گردن‌بندهایی با طرح «کایتبرد» ساخت.

توانیتو

بیمارستان خانگی

سال‌ها پیش، زمانی که هنوز بسیاری از مردم، شهروند قانونی و ثابت دهکده جهانی نشده بودند، بچه‌ها و نوجوانان، دورهم، فوتبال، هفت‌سنگ و لی‌لی بازی می‌کردند. یکی از اتفاقات عادی در بازی‌ها، شکستن دست و سر و پا بود. وقتی یکی از بچه‌ها مصدوم می‌شد، چند مشکل بزرگ برایش به وجود می‌آمد. مشکل اول درد کشیدن و اذیت شدن برای انجام کارهای روزمره بود و مشکل دیگر معطل شدن در مطب پزشک و با دست و پایی شکسته از پله‌های بیمارستان بالا و پایین رفتن. گاهی اوقات کار به جایی می‌رسید که آدم ترجیح می‌داد درد را در خانه تحمل کند و تا آن سر شهر برای معاینه و نسخه گرفتن نرود! این مشکل صرفاً گریبان بچه‌های فوتبالیست و هفت‌سنگ باز محل را نمی‌گرفت، بلکه سالمندان، کسانی که معلولیت جسمی - حرکتی داشتند، و افراد تنها که کسی را برای کمک نداشتند، بیشتر با مشکل رفت‌وآمد به درمانگاه و بیمارستان دست‌وپنجه نرم می‌کردند. علاوه بر این، وقتی آدم به بیماری سختی مبتلا می‌شود، همه‌زمانش صرف دکتر و بیمارستان می‌شود و وقت و دل و دماغی برای آموختن مهارت کار با رایانه و یادگرفتن زبان انگلیسی و کارهای هنری نمی‌ماند. بیمار شدن خود یا عزیزان یکی از تلخ‌ترین اتفاقاتی است که ممکن است رخ دهد، اما بعضی از آدم‌ها با اراده‌ای عجیب و تحسین‌برانگیز، به بیماری اجازه نمی‌دهند امیدشان را بکشد؛ از کسی مانند وحید رجبلو صحبت می‌کنیم؛ سازنده استارت‌آپ «توانیتو».

جرقه ایده

وحید با مشکلی در سیستم عصبی حرکتی به دنیا آمده بود؛ نوعی بیماری که حالا آن را به نام «ام‌اس» می‌شناسیم. او از روز تولدش نیازهای ویژه‌ای داشت. تا زمانی که خواهر و برادرهایش با وحید زندگی می‌کردند، نیازهای او را با پیدا کردن پزشک رفع می‌کردند، اما بعد از ازدواج آن‌ها، پدر و مادر وحید نمی‌توانستند به تنهایی خدمات مورد نیاز فرزندشان را تأمین کنند. همین اتفاق باعث شد وحید به فکر ساخت سایتی بیفتد که به افرادی که به این خدمات نیاز دارند کمک کند. او تصمیم گرفت جای اینکه خودش به دنبال خدمات درمانی و آموزشی برود، آن خدمات را به خانه بیاورد.

از اوایل دهه هشتاد به‌طور قسطی رایانه خریده و یاد گرفته بود از آن پول در بیاورد. آن اوایل از طریق تایپ کسب درآمد می‌کرد. به مرور در اتاق خودش «خدمات و تعمیرات رایانه» هم راه‌اندازی کرد و درآمد متوسطی داشت. اما تعمیرات رایانه کار مورد علاقه او نبود. دوست داشت با «طراحی وب» و ساخت نرم‌افزارها آشنا شود. علاوه بر آن، بیماری‌اش در حال پیشرفت بود و دیگر نمی‌توانست ابزارها را بردارد و قطعات رایانه را تعمیر کند. به همین دلیل وارد دنیای وب سازی شد.

۱۳۸۳-۱۳۸۸



استارت‌آپ بهتر؛ ارتباط با خیریه‌ها

گفتار درمانی و فیزیوتراپی فعالیت‌های پرهزینه‌ای هستند. به دلیل قیمت‌های بالا، ممکن است بعضی از توان‌یاب‌ها تحت فشار اقتصادی قرار بگیرند یا اصلاً از درمان منصرف شوند. اگر روزی استارت‌آپی مربوط به حوزه سلامت و آموزش راه‌اندازی کردیم، خوب است بخشی را در سایتمان بگنجانیم تا افرادی که مشکل مالی دارند، از طریق آن بخش به مددکاران اجتماعی و خیرین متصل شوند و بخشی از مشکلاتشان کم شود. با این کار، هم به افراد توان‌یابی که در مزیقه مالی هستند کمک می‌کنیم و حال خودمان خوب می‌شود، هم علاوه بر این‌ها کاربران استارت‌آپمان بیشتر می‌شوند و اعتبار و سود بالایی کسب می‌کنیم.

شعار

بیماری آخر خط نیست

وحید در نمایشگاهی خیریه غرفه گرفت و به توان‌یاب‌های بیشتری معرفی شد. با زیاد شدن خدمات‌گیرندگان، سایت هم باید تقویت می‌شد. برای این کار به تزریق سرمایه نیاز بود. همان روزها کمپینی مردمی در فضای مجازی راه افتاد که وحید از آن طریق توانست چهل میلیون تومان کسب و آن را برای کسب و کارش خرج کند. سایت همیار مهر را به استارت‌آپی با شماره ثبت تجاری تبدیل کرد؛ با نام «توانیتو». «توانیتو» با دوازده کارمند و هزاران عضو سایت و صدها خدمات‌گیرنده، در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ به‌طور رسمی رونمایی شد و همچنان در حال گسترش است.

۱۳۹۵-۱۳۹۸

وحید شروع به ساخت استارت‌آپش کرد؛ «همیار مهر». با فعالان حوزه سلامت (پزشک و پرستار) و آموزش (معلم‌ها) هم همکاری کرد. همیار مهر در سه ماه اول به بیش از صد نفر خدمات داد. استارت‌آپ وحید به سرمایه نیاز داشت. از خانمی که مانند خودش به بیماری‌ام‌اس مبتلا بود، سه میلیون تومان قرض کرد. نیروی انسانی جذب و امکانات سایت را زیاد کرد.

۱۳۹۳-۱۳۹۴

وحید به ساخت سایت و کدنویسی مسلط شد و بالاخره توانست اولین سایت خودش را طراحی کند. بعد از ساخت سایت فروش دستگاه‌های صنعتی، مسیر شغلی وحید پیدا شد.

او با تبلیغات و معرفی دوستان توانست سایت‌های زیادی طراحی کند؛ طوری که بابت هر کدام حدود یک میلیون تومان درآمد کسب می‌کرد.

۱۳۸۹-۱۳۹۰



فروش کالاهای پزشکی

یکی از مهم‌ترین نیازهای توان‌یاب‌ها، کالاهای پزشکی مانند ویلچر، کپسول اکسیژن و کمربند طبی است. استارت‌آپ حوزه درمان بهتر است بخشی با قابلیت فروش تجهیزات پزشکی هم در سایت خود داشته باشد تا کاربران بتوانند وسایل مورد نیازشان را از طریق استارت‌آپی که راه اندازی کرده‌ایم بخرند.

هر چقدر با شرکت‌ها یا فروشگاه‌های بیشتری در حوزه تولید یا فروش تجهیزات پزشکی قرارداد ببندیم، محصولات بیشتری برای فروش در سایت می‌گذاریم و افراد بیشتری عضو استارت‌آپمان می‌شوند. با این کار، هم سود بالاتری از شرکت‌ها و فروشگاه‌ها می‌گیریم و هم کاربرانمان بیشتر به ما مراجعه می‌کنند و با دست خالی از سایتمان خارج نمی‌شوند.

تیم تبلیغاتی تخصصی

بهترین روش برای تبلیغ استارت‌آپی با محتوای سلامت و آموزش، استخدام تیم تبلیغاتی متخصص و آشنا با مشکلات جسمی- حرکتی و بیماری‌هاست. با این روش، مسئولان تبلیغات استارت‌آپ ما بهتر می‌توانند با توان‌یاب‌ها ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را برای درمان راهنمایی کنند.

بهترین مکان برای تبلیغات، مراکز درمانی، خیریه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و شبکه‌های اجتماعی هستند. وقتی فضای تبلیغات با خدمات درمانی مرتبط باشد، توان‌یاب‌ها راحت‌تر با چگونگی کار استارت‌آپ ما آشنا می‌شوند و هر زمان خدماتی خواستند، یاد استارت‌آپ ما می‌افتند.

آشنایی با شغل‌های جدید

کداموزی

امروزه اینترنت و فضای مجازی به بازار مطلوبی برای کسب و کار تبدیل شده است. همه شغل‌ها، برای معرفی محصول‌ها و توسعه کار خود، به پایگاهی روی این بستر، آن هم به صورت خدمات برخط (آنلاین)، نیاز دارند. هر چند تا به حال فضای مجازی خیلی شلوغ و پر از وب‌سایت شده، ولی پهنه آن به قدری وسیع است که تا سالیان سال و شاید به قدر بی‌نهایت، امکان رشد و ایجاد وب‌سایت داشته باشد.

شاخه‌های اصلی برنامه‌نویسی وب

وب مخزنی از صفحه‌های اینترنتی است که هر کدام آدرس مشخصی دارند. برنامه‌نویسی وب یعنی نوشتن برنامه‌هایی برای ساخت و راه‌اندازی صفحه‌های وب. برنامه‌نویسی وب سه پایه یا شاخه اصلی دارد که عبارت‌اند از: «اچ‌تی‌ام‌ال» و «سی‌اس‌اس»، «جاوا اسکریپت» و «پی‌اچ‌پی».

ممکن است در نگاه اول این اسم‌ها به نظر تان عجیب برسند. خوب عجیب هم هستند، چون هر کدام مخفف یک عبارت‌اند. مثلاً HTML از سر واژه‌های عبارت «Hypertext Markup Language» گرفته شده که به معنی «زبان نشانه‌گذاری فرامتنی» است. می‌بینید که در این شغل باید زبان انگلیسی‌تان خوب باشد. برای آموختن دانش لازم به منظور تصدی این شغل، شما باید قدم به قدم با این پایه‌ها آشنا شوید و در کار با آن‌ها تسلط پیدا کنید.

قدم اول: اچ‌تی‌ام‌ال و سی‌اس‌اس

اچ‌تی‌ام‌ال زبان نشانه‌گذاری متن است و زبان استاندارد صفحه‌های وب محسوب می‌شود. اچ‌تی‌ام‌ال، با نشانه‌ها و علامت‌هایی که روی صفحه می‌گذارد، قالب‌های قرار گرفتن متن‌ها و شکل‌ها را مشخص می‌کند. بعد از نشانه‌گذاری‌های اچ‌تی‌ام‌ال است که مرورگرهایی مثل «کروم» و «فایرفاکس» می‌توانند این صفحه‌ها را نمایش دهند.

مرورگرها برای مشاهده صفحه‌های وب به وجود آمده‌اند و کدهای زبان‌های برنامه‌نویسی را درک می‌کنند.

معمولاً در هر صفحه موجود روی وب، مجموعه‌ای از متن‌ها، عکس‌ها و بخش‌بندی‌ها گوناگون وجود دارند. به کمک روش‌هایی که اچ‌تی‌ام‌ال در اختیار برنامه‌نویس می‌گذارد، او می‌تواند اطلاعات را در قالب‌های معینی بگنجاند و بعد از استفاده از سی‌اس‌اس، در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دهد. اما سی‌اس‌اس چیست؟ CSS کوتاه شده یا مخفف عبارت «Cascading Style Sheets»، به معنی برگه‌های آبخاری است. کدهای سی‌اس‌اس صفحه‌های وب را آرایش می‌دهند و زیبا می‌کنند. رنگ نوشته‌ها، اندازه حروف‌ها، طول و عرض متن‌ها، اندازه‌های تصویرها و خلاصه همه کارهایی که صفحه وب را جذاب می‌کنند، به کمک روش‌های سی‌اس‌اس انجام می‌شوند. بنابراین، اول ساختار صفحه وب با استفاده از اچ‌تی‌ام‌ال تعیین می‌شود و سپس با به کار بردن کدهای سی‌اس‌اس، به این ساختار و چیدمان رنگ و لعاب می‌دهیم. مرورگرها هم کدهای اچ‌تی‌ام‌ال و سی‌اس‌اس را می‌خوانند و صفحه وب را نمایش می‌دهند.

قدم دوم: جاوا اسکریپت

«جاوا اسکریپت» یک زبان برنامه‌نویسی پویاست. جاوا اسکریپت با کدهایش تعیین می‌کند که کاربران کجا کلیک کنند، بعد از کلیک



منظور از تعاملی بودن وجود قابلیت‌هایی مانند سطح‌های دسترسی متفاوت برای کاربران، امکان ثبت نام در سایت، پنل کاربری، ذخیره اطلاعات کاربران و بسیاری از امکانات دیگر است که امروزه در تمامی سایت‌ها مشاهده می‌کنیم. پی‌اچ‌پی بیشتر از ۸۰ درصد از سهم بازار وب را در اختیار دارد. همچنین، متن آن باز است (همه می‌توانند متن آن را ببینند و از آن استفاده کنند). به علاوه، رایگان است، جامعه بزرگی از آن استفاده می‌کنند و دارای پشتیبانی خوبی است. این‌ها نقطه‌های قوت پی‌اچ‌پی هستند. این زبان پویا توانسته است خودش را به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین زبان‌های برنامه‌نویسی در حوزه طراحی وب معرفی کند و هر ساله درآمد بالایی را نصیب برنامه‌نویسان این زبان کند.

تا اینجا با شاخه‌های اصلی شغل برنامه‌نویسی، طراحی و توسعه وب آشنا شدیم، ولی این آغاز کار است. برای حرفه‌ای شدن، علاوه بر مداومت و استمرار برنامه‌نویسی، به یادگیری موارد دیگری نیز نیاز است؛ مواردی همچون:

- تسلط بر سیستم عامل ویندوز یا لینوکس؛
- تسلط بر شبکه‌های رایانه‌ای و شبکه‌های ابری؛
- یادگیری «فریم‌ورک»‌ها و زبان‌های برنامه‌نویسی دیگری همچون Kotlin، JQuery، React.js، Angular، Go، Python؛
- تسلط بر بانک‌های اطلاعاتی همچون MySQL، MongoDB و MariaDB.

چه اتفاقی بیفتد، به چه علت و چطور متن عوض یا صفحه جدیدی باز شود، و از این قبیل کارها. هر عملی که در صفحه‌های وب اتفاق می‌افتد، با کدهای جاوا اسکریپت انجام شده است. به‌طور خلاصه، جاوا اسکریپت برای ایجاد تعامل در صفحه‌های وب به کار می‌رود. اچ‌تی‌ام‌ال و سی‌اس‌اس ساختار اولیه و ظاهر صفحات وب، و جاوا اسکریپت نحوه عملکرد صفحات وب را تعیین می‌کنند.

جاوا اسکریپت صفحه وب را از حالت بی‌حرکت و جامد (استاتیک) به صفحه‌ای تعاملی و پویا تبدیل می‌کند. به صفحه‌های وب رفتار می‌بخشد و به کاربران اجازه می‌دهد با این صفحه‌ها ارتباط بگیرند. از قابلیت بزرگ‌نمایی یک عکس، نمایش «تایمر» یا شمارش معکوس در وب‌سایت، و پخش فایل صوتی و تصویری در یک صفحه وب گرفته، تا ایجاد اپلیکیشن‌های تلفن همراه، ساخت وب‌سرورها و حتی ساخت بازی، از قابلیت‌های جاوا اسکریپت به شمار می‌روند.

قدم سوم: پی‌اچ‌پی

«پی‌اچ‌پی» کوتاه شده یا مخفف عبارت «Hypertext Preprocessor» به معنی پیش‌پردازنده فرامتنی است. اساس و بنیان پی‌اچ‌پی طراحی و ایجاد صفحه‌های پویای وب است. کسانی که وظیفه کدنویسی سایت را بر عهده دارند، با استفاده از زبان پی‌اچ‌پی می‌توانند برنامه‌های تعاملی وب (وب اپلیکیشن‌ها) را طراحی کنند.

شاعران هنرستانی

حمیدرضا شکارسری



متولد ۱۳۴۵ در تهران، شاعر، پژوهشگر، نویسنده و منتقد ادبی ایرانی است. او دانش‌آموخته کارشناسی زمین‌شناسی است و در وزارت راه و شهرسازی مشغول است. تاکنون بیش از ۲۰ جلد کتاب شعر و پژوهش ادبی منتشر کرده است. از ۱۶ سالگی شعر می‌سرود. در سال ۱۳۶۲ برای اولین بار غزلی از او در یکی از مجلات به چاپ رسید. سپس از سال ۱۳۶۵ به‌طور جدی وارد عرصه شعر شد. از سال ۱۳۷۱ نیز کار نقد شعر را شروع کرد. شکارسری با اولین مجموعه شعر خود در سال ۱۳۷۵ با عنوان «باز جمعه‌ای گذشت» وارد دنیای نشر شد. چراغانی بی‌دلیل، از تمام روشنایی‌ها، پیرتر از خود، از سکوت به حرف شلیکم کن، آسمان زیر ابرها و تروریست عاشق، عنوان برخی از کتاب‌های اوست. حمیدرضا شکارسری جوایز ادبی متعددی را از آن خود کرده است: کتاب «چراغانی بی‌دلیل» در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان کتاب سال دفاع مقدس شناخته و در همان سال به‌عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بخش شعر تقدیر شد. این کتاب نامزد نهایی کتاب سال جشنواره قلم زرین ۱۳۸۴ هم شده است. کتاب «عصر پایان معجزات» کاندیدای نهایی کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۸ بوده است.

چند شعر کوتاه از حمیدرضا شکارسری:

کم کم ماه

کامل می‌شود

شب در دست تعمیر است!

×

پنجره‌ها

جای خالی دیوارند

کمی آزادی

کمی پرواز

شعر نوروز

تو مثل ستاره
پر از تازگی بودی و نور
و در دستت انگشتری بود از عشق
و پاکیزه مثل درختی
که از جنگل ابر برگشته باشد.
سرآغاز تو
مثل یک غنچه سرشار پاکی
زمین روشنی تو را حدس می‌زد
تو بودی، هوا روشنی پخش می‌کرد.
و من
هر گلی را که می‌دیدم از
دست‌های تو آغاز می‌شد
و آبی که از بیشه‌ای دور می‌آمد آرام
بوی تو را داشت.
من از ابتدای تو فهمیده بودم
که یک روز خورشید را خواهی آورد
دریغا تو رفتی!
هراسی ندارم
مهم نیست ای دوست
خدا دست‌های تو را
منتشر کرد...
سلمان هراتی

جواب جورچین قبل
جواب جورچین شماره قبل:
تا امدم که با تو خداحافظی کنم
بغضم امان نداد و خدا در گلو شکست

چهار در چهار

ابر آب دگر به روی دنیا آورد
باید به میان، ساغر و مینا آورد
این حرف نه من ز پیش خود می گویم
باران خبر از عالم بالا آورد
(کلیم کاشانی)

از شهر دلم نام دهی بیش نماند
از پیرهن صبر زهی بیش نماند
از بس که گسست شوق و بر هم بستم
از رشته عمرم گرهی بیش نماند
(شکبیه اصفهانی)

جز اهل سفر کسی در این دهکده کو؟
یک نفس که خیمه اقامت زده کو؟
در رفتن این راه بلد بسیار است
اما بلدی که رفته و آمده کو؟
(طرزی افشار)

خون گشت مرا ز هجر یاران دیده
زین غم شده چون سیل بهاران دیده
گر دست به من زنند می ریزد اشک
مانند درخت های باران دیده
(قپلان بیک)

وحید امیری

جورچین امروز

با توجه به شکل قرار گرفتن قافیه ها، سعی کنید مصراع به هم ریخته این شعر زیبا را درست کنید:

باد بهار مرهم دل های خسته است
گل مومیایی پر و بال شکسته است
شاخ از شکوفه پنبه سرانجام می کند
از بهر داغ لاله که در خون نشسته است
وقت است اگر ز پوست بر آیند غنچه ها
شیر شکوفه زهر هوا را شکسته است
زنجیری است ابر که فریاد می کند
دیوانه ای است برق که از بند جسته است
پایی که کوهسار به دامن شکسته بود
از جوش لاله بر سر آتش نشسته است
افسانه نسیم به خوابش نمی کند
از ناله که بوی گل از خواب جسته است؟
صائب به هوش باش که داروی بیهوشی

... (بهار / اگره / باد است / غنچه / بسته / در)

صائب تبریزی

دردانه ها

پیشنهاد می کنیم ابیات زیر را بالای دفتر درس مربوط به آن بنویسید:

کارگاه درس های عملی

خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم
به صورت تو نگاری ندیدم و نشنیدم
(حافظ)

تراشکاری

به نا امیدی از این در مروء امید اینجاست
فزون تر از عدد قفل ها کلید اینجاست
(هادی رنجی)

نساجی

عارفان از جهل رخ بر تافتند
تار و پودی چند در هم بافتند
(پروین اعتصامی)



خودکفا شدم

ماندانا هوشمندیان در تیرماه سال ۱۳۸۰ در استان فارس به دنیا آمده است. او در دوران تحصیلاتش کلاس‌های متوسطه اول را در مدرسه تیزهوشان با معدل ۱۹/۹۸ پشت سر گذاشته و برای ورود به کلاس دهم، برخلاف انتظار اطرافیان، ادامه تحصیل در رشته گرافیک هنرستان را انتخاب کرده است. هوشمندیان هم‌زمان با شروع تحصیل در هنرستان، فعالیت فیلم‌سازی را نیز آغاز کرد و توانست در هر سال یک فیلم کوتاه دانش‌آموزی تولید کند و در جشنواره‌های استانی و کشوری جوایزی کسب کند. ماندانا هوشمندیان در حال حاضر دانشجوی ترم سوم رشته گرافیک در تهران است. او همچنان فعالیت‌های هنری خود را دنبال می‌کند. فیلم‌های «پدر بذر بود!»، «تاریخ انقضا» و «زیر آسمان بزرگ» از جمله فیلم‌های کوتاهی هستند که در دوران هنرستان ساخته است.

از همان سن ۱۵-۱۶ سالگی، یعنی وقتی وارد هنرستان شدم. اولین فیلمت چه نام داشت و چطور شد آن را ساختی؟

«پدر بذر بود». آن موقع جشنواره‌ای با نام پرسش مهر، با موضوع خشونت در حال برگزاری بود. به دلیل علاقه‌ام به حیوانات و دغدغه‌ای که برای جلوگیری از خشونت علیه حیوانات داشتم، جرقه ساختن فیلمی کوتاه با این موضوع در ذهنم زده شد و شروع به ساختن آن کردم.

چگونه با جشنواره بین‌المللی فیلم رشد آشنا شدی؟ کدام یک از فیلم‌هایت در جشنواره فیلم رشد پذیرفته شده‌اند؟ کدام یک جایزه گرفته است؟

معاون پرورشی هنرستانمان ما را با جشنواره‌ها و مسابقات آشنا می‌کرد و از ما می‌خواست اگر تمایل داریم، در این مسابقات شرکت کنیم. برای فیلم‌های پدر بذر بود و تاریخ انقضا جایزه گرفته‌ام؛ هر دو.

شما از رشته گرافیک به‌عنوان یک رشته هنری پایه حرف زدی. گرافیک در فیلم‌سازی چه نقشی دارد؟

ما در گرافیک با رنگ‌ها، انواع قاب‌بندی‌ها، ریتم، حرکت و مواردی از این قبیل آشنا می‌شویم که همه در فیلم‌سازی به کار می‌روند.

از دوران فیلم‌سازی‌ات چه خاطره جالبی داری؟

فکر می‌کنم رفتن به جشنواره‌های گوناگون در ایران و آشنایی با کسانی که مثل خودم دغدغه هنری دارند، بهترین خاطره این دوران است.

این کلمات با همدیگر چه ارتباطی می‌توانند داشته باشند: دانش‌آموز، فیلم، معلم، مدرسه و زندگی.

اگر دانش‌آموز، معلم و مدرسه سه ضلع یک مثلث در زندگی ما آدم‌ها باشند، معلم‌ها می‌توانند با استفاده از نمایش فیلم در کلاس‌های خود،

چرا تحصیل در هنرستان و رشته گرافیک را انتخاب کردی؟ دلایل متعددی وجود داشت، از جمله علاقه زیاد به رشته‌های هنری. گرافیک برای رشته هنر پایه محسوب می‌شود و امکان انتخاب را در ورود به دانشگاه و مراحل بعدی افزایش می‌دهد.

دانش‌آموزانی که علاقه دارند در رشته‌های هنری تحصیل کنند، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

به نظر من استعداد و علاقه برای ورود به رشته‌های هنری، از جمله ویژگی‌های مهمی است که برای تحصیل در هنرستان هنر لازم است. البته توانایی تفکیک درس‌های تئوری و عملی به‌صورت هم‌زمان و دلسرد نشدن از ادامه راه را هم به آن اضافه کنید.

چه دانش‌آموزانی در هنرستان‌ها بیشتر موفق هستند؟

اولاً که تعریف موفقیت از نظر هر شخص متفاوت است. دوم، فرار نکردن از انجام فعالیت‌های عملی که اکثراً حجم زیادی دارند و وقت قابل توجهی را می‌گیرند.

فعالیت فیلم‌سازی‌ات را از کی شروع کردی؟

شخصیت و تیپ در فیلم کوتاه

از جمله عناصر مهم در فیلم، شخصیت است. شخصیت شالوده‌آسایی و روح فیلم‌نامه است. برای نوشتن فیلم‌نامه داستانی باید از همان اول مشخص کنید شخصیت اصلی شما کیست، چه نیاز مهمی در فیلم شما دارد و برای رسیدن به این نیاز باید از چه موانعی بگذرد. اما آیا شخصیت‌پردازی در فیلم کوتاه و شخصیت‌پردازی در فیلم نیمه‌بلند یا بلند، به یک شکل انجام می‌شود؟

مسلماً پاسخ منفی است. در فیلم کوتاه، به دلیل مدت زمان کم، با تیپ سر و کار داریم، نه با شخصیت. شخصیت باید چندین وجه پیچیده داشته باشد تا در مسیر داستان کم‌کم برملا و شناسایی شود. اما تیپ، به علت کدهای آشنای ذهنی مخاطب نسبت به او، زود شناخته می‌شود و در نتیجه قابل پیش‌بینی است. تماشاگر خیلی سریع با او ارتباط برقرار می‌کند. در فیلم‌های نیمه بلند، بلند یا سریالی، شخصیت غیرقابل پیش‌بینی، هدف‌دار و جهت یافته است. شخصیت قابل تغییر است، اما تیپ نه. تیپ معمولاً به همان شکل که در آغاز بوده باقی می‌ماند و تأثیر او بر مخاطب آسان و زودگذر است.

فیلم بچه‌های آسمان اثر مجید مجیدی را به یاد بیاورید. در آن فیلم بلند سینمایی، شما با شخصیتی اصلی به نام علی روبه‌رو هستید که برای تهیه کفش خواهرش، مرارت‌ها و سختی‌هایی را به جان می‌خورد! آیا امکان دارد ایده اولیه این فیلم بلند را ما قبلاً در یک فیلم کوتاه ساخته یا دیده باشیم؟ بله امکان دارد.

تصور کنید دختر بچه‌ای با کیف مدرسه‌اش مقابل در حیاط خانه‌شان ایستاده است و مدام سر کوچه را نگاه می‌کند. بالاخره پسر بچه‌ای دوان دوان و خیس عرق از راه می‌رسد، کفش‌هایش را با عجله بیرون می‌آورد و به دختر می‌دهد. دختر بچه، در حالی که از دست او عصبانی است، دمپایی‌اش را بیرون می‌آورد و کفش‌های او را می‌پوشد. بعد هم در حالی که به پسر بچه غر می‌زند، دوان دوان می‌رود. در این فیلم شما با دو شخصیت علی و خواهرش روبه‌روید. اما در مثالی که زده شد و بخشی از همان فیلم سینمایی است، شما با دو تیپ و خیلی زود با وضعیت زندگی آن دو آشنا می‌شوید. بعد هم فیلم شما تمام می‌شود. چون شما قرار است یک فیلم کوتاه بسازید نه یک فیلم بلند.

زندگی بهتر و شادتری را برای بچه‌ها بسازند. چون فیلم دیدن خودش کسب یک زندگی جدیدتر است.

● به عنوان دانشجوی رشته هنر می‌توانی بگویی هنر در زندگی آدم‌ها چه تأثیری دارد؟

هنر به معنای عام در تمامی مراحل و اتفاقات زندگی بسیار تأثیرگذار است. هنر به انسان توانایی لذت بردن و خودکفایی بیشتر می‌دهد.

● برای دانش‌آموزان هنرستانی که از ماندن در خانه خسته شده‌اند و حالا دیگر در مدرسه نیستند، چه پیشنهادی داری؟

همین که بدانیم شرایط برای همه ما یکسان است، کمی دلگرم می‌شویم. ماندن در خانه برای من هم مثل همه افراد جامعه، به خصوص هنرمندان، بسیار سخت است. با انجام تکالیف دانشگاه، دیدن فیلم و خواندن کتاب این روزهای سخت را پشت سر می‌گذارم.

● به نظرت مهم‌ترین وظیفه یک فیلم‌ساز چیست؟

به تصویر کشیدن صحنه‌هایی از زندگی اقشار و اقوامی از جامعه که مردم عادی شاید تا آخر عمر هم از آن‌ها بی‌خبر باشند. پرداختن به دغدغه‌هایی که مردم به صورت روزمره با آن‌ها مواجهند. آموزش صحیح فرهنگی برای گروه‌های گوناگون سنی، با نشان دادن سبک زندگی صحیح و غلط مردم.

● یک جمله یادگاری برای دانش‌آموزان هنرستانی داری؟

اگر شما هم مثل من به هنر علاقه‌مند هستید و بدون لذت بردن از آن نمی‌توانید زندگی کنید، از امروز با علاقه و پشتکار، رسیدن به آن را نشانه بگیرید و تا آخر به مسیرتان ادامه دهید.





اهل نایینم

با خبر شدیم هنرجویان هنرستان شهید قدوسی شهر نایین مجله رشد هنر جو را خوانده‌اند و نظراتی سازنده و انتقادی درباره آن دارند. در این شرایط ارتباطات مجازی و از راه دوری، موفق شدیم با مدیر دلسوز و معاون مدرسه هماهنگ کنیم و به‌طور مجازی در خدمت آنان، یکی از اولیا و سه نفر از هنرجویان مدرسه باشیم تا هنرجویان، به نمایندگی از بقیه دوستانشان، از دلایل انتخاب هنرستان و رشته‌هایشان بگویند و اینکه امتحانات مجازی و درس‌های عملی را چطور گذراندند و در نهایت هم چقدر مجله را با حال و هوای جوان هنرستانی متناسب می‌دانند.

علیرضا بهزادی؛ رشته تأسیسات مکانیکی، پایه یازدهم

- در فامیل مکانیک زیاد داریم و طبیعی است من هم علاقه‌مند شوم. همین رشته باعث شد در بازار هم به شغل تراشکاری مشغول شوم. یعنی قبل از هنرستان، مدرک تراشکاری را از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای گرفتم و خواستم که در هنرستان، با انتخاب رشته تأسیسات مکانیکی، آن را کامل کنم. من الان چند سالی است که کار می‌کنم و از انتخاب هنرستان بسیار راضی هستم.

- ما مشکلی با کلاس‌های مجازی نداشتیم. امتحانات عملی را هم حضوری دادیم.

- نقد مجله:

۱. می‌توان مجله را به چهار شاخه صنعت، خدمات، کشاورزی و هنر تقسیم کرد و در هر بخش به مباحث تخصصی هر رشته پرداخت تا هنرجویان بیشتر از آن استفاده کنند. بعضی مباحث هست که هر هنرستانی باید بداند؛ مثل درست کردن شیر آبی که چکه می‌کند. موارد این‌چنینی را در مجله بیاورید.

۲. دانش‌آموز فنی سنش خیلی بیشتر از سن شناسنامه‌ای است. ما به‌واسطه کار و آموختن مهارت، بزرگ هستیم. لازم است در این مجله، سطح سنی تصویرها، طنزها و مطالب کمیک هم بالاتر برود.

۳. خوب است رشته‌های هنرستانی، با توجه به تنوع و گستردگی‌شان، در مجله بیشتر و دقیق‌تر معرفی شوند.

۵. نسخه مجازی مجله را هم در اختیار ما قرار دهید. هر چند نسخه کاغذی را داریم، اما برای سن ما نسخه‌های الکترونیکی مجله هم مفید و کاربردی هستند.

محمدعرفان قنبریان؛ رشته برق، پایه دوازدهم

- با توجه به شرایط منطقه محل زندگی‌مان و آشنایی اعضای فامیلیمان با این رشته، من هم رشته برق را انتخاب کردم. گفتم شاید در این رشته موفق‌تر باشم. خیلی هم راضی‌ام.

- اما امتحانات مجازی هم مثل هر موضوع دیگری، مزایا و معایبی

با تشکر از:

پیمان شاهپوری (رئیس اداره فنی و حرفه‌ای استان اصفهان)؛
رحمت‌الله رضایی (مدیر آموزش و پرورش شهر نایین)؛
محمد رضا حکم‌فرما (مدیر) و امیرحسین عابدین‌نژاد (معاون)
هنرستان فنی شهید قدوسی نایین.

۴. تعریف نکات درباره مسائل حقوقی. ما در آینده شغلی خواهیم داشت که لازم است نکات حقوقی مربوط به آن را بدانیم. البته صفحه حقوق کار در مجله به این موضوع پرداخته است و دوست داریم بیشتر این موضوعات مطرح شوند.

۵. در محیط کار، گاهی پیش می‌آید که مجبوریم با مواد اولیه‌ای که در محیط داریم، خودمان برای خودمان غذا درست کنیم. واقعا لازم است آشپزی ساده را بدانیم. مثلا آشپزی با انواع ماکارونی و غلات.

مرتضی عباسی؛ رشته حسابداری، پایه دوازدهم

- خواهرم هم رشته‌اش همین بود. من هم در حال حاضر راضی هستم.
- خوش بختانه کلاس‌های درس‌های تخصصی و عملی ما تا حدی به صورت حضوری برگزار شدند و ما مشکل چندانی نداشتیم. معلم‌ها هم رعایت حالمان را کردند و امتحان‌های مجازی را طوری برگزار کردند که ما در درس کمتری داشته باشیم. در شهر و مدرسه ما امتحانات نوبت اول مجازی برگزار شدند، اما امتحانات درس‌های تخصصی و عملی حضوری بودند و ما مشکلی نداشتیم.

- نقد مجله:

۱. مشکلات مربوط به بیمه و مالیات در مجله مفیدند.
۲. صفحه کارساز به رشته من بیشتر مرتبط است و من از این صفحه هم راضی‌ام.
۳. ما دوست داریم بعضی مباحث مربوط به هنرآموزان را هم بخوانیم.
۴. می‌توان هنرجویان پسر و دختر موفق هنرستانی را که کارآفرینی هم می‌کنند، بیشتر معرفی کرد. ما حتما باید بتوانیم کار کنیم.

امیرحسین عابدین‌نژاد؛ معاون هنرستان: ما در کار با هنرجویان هنرستانی، متوجه شده‌ایم آن‌ها نسبت به سئو بزرگ‌تر هستند. بعضی‌شان حتی حقوق دریافتی‌شان بیشتر از من است. هنرجو را باید جدی گرفت.



محمود یزدان‌خواه؛ پدر هنرجو فراز یزدان‌خواه: مجله خوب است، اما ایده‌آل بچه‌ها نیست. در مجله آینده را برای هنرجویان بشکافید. تصویرها را واقعی‌تر بیاورید. استعدادها را پیدا کنید. از بچه‌ها بخواهید با شما ارتباط برقرار کنند.

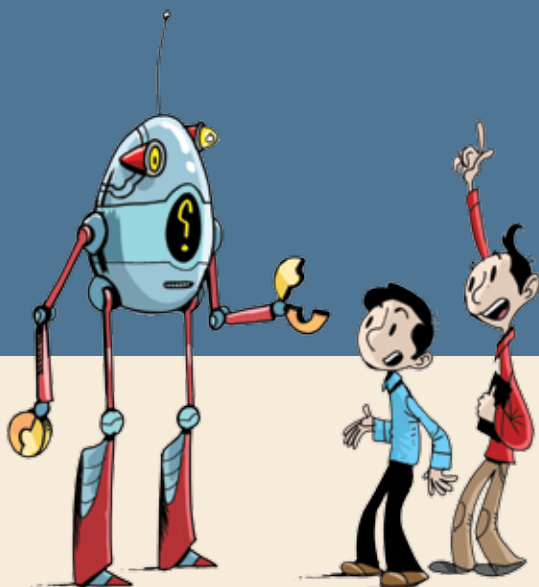


محمد رضا حکم‌فرما؛ مدیر هنرستان: انتظار این است که مجله راه‌هایی بیابد که بچه‌ها را بیشتر جذب کند. انگیزه ایجاد کنید برای هنرجو.



دارند. آموزش درس‌ها در حالت مجازی ضعیف‌تر هستند. لازم است مشکلات اینترنتی و نرم‌افزاری رفع شوند. برای هنرستانی‌ها باید سایت‌های مخصوص و متفاوتی طراحی شوند که ما بتوانیم راحت‌تر درس بخوانیم و امتحان بدهیم.
البته آموزش حضوری بهتر است.
- نقد مجله:

۱. مجله با برگزاری مسابقه و دادن جایزه، برای هنرجویان جذابیت ایجاد کند. ما را به چالش بکشید و با مجله مرتبط کنید تا به مجله جذب شویم.
۲. مجله را تخصصی‌تر کنید. برای هر رشته، مجله مخصوص خود داشته باشید.
۳. در هر شماره از مجله، به یکی از مهارت‌ها در شاخه‌های رشته‌های فنی بپردازید. نکات پرکاربرد هر رشته را در مجله بیاورید. برای مثال، من هنرجوی برق هستم، اما دوست دارم شیوه تعویض لاستیک پنچر شده را یاد بگیرم. در واقع مباحث عمومی و فنی را در مجله بگنجانید.



از شنبه

این هفته که نه، قرار ما از شنبه
سنجاق شدن به درس‌ها از شنبه

آمار و زبان و جبر، هر وقت که شد
تاریخ و فیزیک، این دوتا از شنبه

حیف است که رخت‌خواب را ترک کنیم
برنامه کوه و هر کجا از شنبه

برنامه باشگاه رفتن را هم
بگذار برای بعد یا از شنبه

«در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش»
گفتند که گل نیست، لذا از شنبه

این هفته بیا فقط فلافل بخوریم
ایجاد رفرم در غذا از شنبه

«دریاب دمی که با طرب می‌گذرد»
تمرین تئاتر یا شنا از شنبه

تا ماسک به صورت بزنم، حسش نیست
آغاز نبرد با بلا از شنبه

هر کار زمان خاص خود را دارد
امروز که می‌شود، چرا از شنبه

ربات فیزیکدان

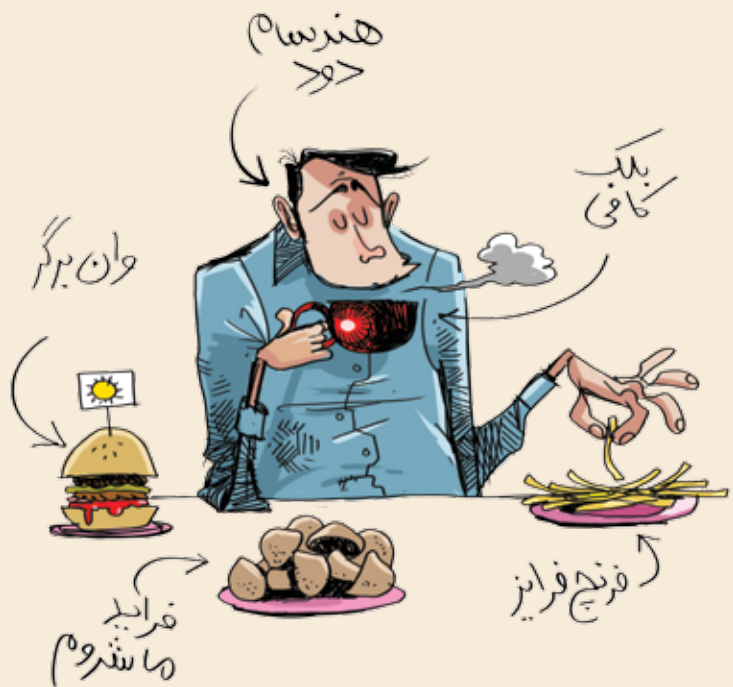
آقای مدیر با یک ربات وارد کلاس شد و رو به دانش‌آموزانی که هیچ دبیری نتوانسته بود در آن‌ها
انگیزه درس خواندن ایجاد کند، گفت: «بچه‌ها! از امروز دبیر شما این ربات هوشمند خواهد بود. امیدوارم
نهایت استفاده را از کلاس او ببرید.» وقتی مدیر رفت، ربات درس نسبیت عام و خاص اینشتین را درس
داد، اما حواس دانش‌آموزان جای دیگری بود؛ یا بازیگوشی می‌کردند یا گوشی‌بازی. آخر سر، ربات از بچه‌ها
پرسید، درباره این مبحث سوالی ندارید؟
فرشید پرسید: «آقا اجازه! شما ۹ را ۱۰ می‌دید؟»
محسن پرسید: «مشخص می‌کنید از کجا تا کجا سؤال می‌اد؟»
نادر گفت: «آقا! شما کسی را می‌اندازید؟»
سعید گفت: «آقا اجازه! ما می‌توانیم برویم آب بخوریم؟»
مسعود هم پرسید: «دفتر چند برگ باید بگیریم؟»
از آنجا که ربات هوشمند فقط برای تدریس و پاسخ دادن به سؤالات فیزیک طراحی شده بود،
با شنیدن این سوال‌ها، سیم‌هایش دچار اتصال شدند و به اصطلاح قاطی کرد. دود از
کله‌اش بلند شد و آتش گرفت.



رفت که یکشنبه پولدار بشود

پیرمردی وقتی می‌خواست از دنیا برود، به دو پسرش گفت:
 «فرزندم! در آخر دهکده، زیر درخت بلوط، قطعه زمینی است که گنجی در آن جا پنهان کرده‌ام. بروید آن زمین را بکاوید، گنج را پیدا کنید و حالش را ببرید.»
 پسر کوچک‌تر خیلی زود فهمید حرف پدرش یک قصه تکراری و به اصطلاح سر کاری است و قصدش این بوده که آن‌ها بروند زمین خشک و بایر را بکاوند و آن را در آرزوی گنجی که وجود ندارد، آباد کنند و آخر کار چیزی در آن بکارند. بعد پیش خودش گفت، «کشاورزی کار دردسردار و پرمشقتی است؛ آن هم با این وضع آب و هوا و تغییرات اقلیمی و آفات گیاهی و مشکلات فروش محصول».

بنابراین، در ازای دریافت مقداری پول، پای خودش را از این کار کنار کشید. از برادر جدا شد و رفت که یکشنبه راه صدساله را برود و پولدار شود. هر چه پول داشت، به عنوان حق‌المشاوره به این و آن داد تا راه یکشنبه پولدارشدن را یاد بگیرد. آخرش هم سر از سایت‌های شرط‌بندی در آورد و هر چه را داشت، حتی کت و پیرهن تنش، در این راه باخت. برادر بزرگ‌تر، زمین را کاوید و چون گنجی ندید، تصمیم گرفت در آن بذری بکارد و کشاورزی کند. او با استقامت و پشتکار توانست از تمام موانع بگذرد، کارش را هر فصل بیشتر گسترش بدهد و برای خیلی از جوانان دهکده اشتغال‌زایی کند؛ از جمله برای برادرش که به روز سیاه نشسته بود.



بلکتی

چون: «وان برگر، سان برگر، تیپ برگر، کافه هیستریک، کافه پرائنتز، کافه تیروئید، کافه وری استار، کافه تئین» تا کوشش سی ساله حکیم فردوسی یک جا به باد فنا برود! این روزها طوری شده که آدم وقتی می‌خواهد به کافی‌شاپ برود، باید یک دوره کلاس آموزشی را به‌صورت فشرده بگذراند تا متوجه بشود «کاپوچینو یا قهوه لاته، کورتادو یا کولدبرو یا ماکیاتو» چه فرقی دارند که هنگام انتخاب و سفارش نوشیدنی سرگیجه نگیرد. پسر همسایه می‌گفت، دیروز که به اتفاق خواهر و برادرهایم به خانه مادر بزرگم رفته بودم، گفت: «بیایید «لوندر» بخورید. برای ریلکسیشن خوبه. پرسیدم: «مادر بزرگ! لوندر چیه؟ گفت: «همون اسطوخودوسه». گفتم: خب چرا نگفتی اسطوخودوس؟ گفت: «اگر بگم نمی‌خوردی».

بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر به جای شربت آبلیمو «موهیتو» بخورند، به قول خودشان «های کلاس» می‌شوند. انگار جمله‌هایی مانند «بیایید گاسیب کنیم، کفش رانینگ خریدم، رفتم مال لباس بخرم، تکست بده، تایمش خوب نیست، بیایید امروز فان داشته باشیم، کانکشنی بزنی» به زانشان سنجاق شده است. به همین علت، ناگهان قهوه‌خانه قنبر، کافی‌شاپ می‌شود و چای معمولی، سیب‌زمینی سرخ‌شده، پیاز حلقه‌ای و قارچ برشته‌شده هم به بلکتی، فرنچ فرایز، انیون رینگز و کریسپی ماشروم تبدیل می‌شوند و سر در کافه‌ها پر می‌شود از نام‌های عجیب و غریبی

ذهن تکانی

روش‌های مدیریت نوجوانان و جوانان برای غلبه بر نگرانی

از شماره نخست رشد هنرجو، سلسله مباحث مدیر خود باشیم را آغاز کردیم. در شماره‌های پیشین، با چگونگی مدیریت بر پنج عارضه رفتاری آشنا شدیم. در این شماره، روش‌های مقابله با وسواس و مدیریت بر وسواس‌های ایجاد شده برای نوجوانان را خواهیم شناخت.

اگر همیشه نگران ناسالم بودن غذایی هستید که آن را می‌خورید، اگر همه کارهایتان را پس از انجام دادن، دو سه بار تکرار می‌کنید، اگر در جلسه‌های امتحان، برای کنترل مکرر جواب‌های سؤال‌ها، آخرین نفری هستید که به اجبار سالن را ترک می‌کنید، اگر مرتب پس از احوال‌پرسی یا گفت‌وگو با دیگران، از آن‌ها عذر خواهی می‌کنید، بدون اینکه دلیلی برای عذر خواهی وجود داشته باشد، شما «وسواس» دارید. این وسواس ممکن است با وسواسی از نوع آب کشیدن مکرر دست‌ها برای ترس از پاک‌نشدن آن‌ها یا شک و تردید در اینکه آیا نمازتان را درست خوانده‌اید یا نه، فرق داشته باشد! به اختلالی که از آن سخن گفتیم، از لحاظ روان‌شناختی، «اختلال وسواسی-اجباری» می‌گویند.

آشغال جمع‌کن نباشید!

بعضی‌ها عادت دارند آشغال جمع کنند. آن‌ها چیزهای به‌درندخور را نگه می‌دارند. فرق نمی‌کند این چیزهای به‌درندخور، جای خالی دستمال کاغذی باشد یا کاغذهایی که روی آن‌ها رسم فنی کشیده‌اند و الان باطله‌اند. حتی ممکن است این افراد یک کمد لباس تنگ و غیرقابل استفاده و ده تا کیف قدیمی و ده‌ها اسباب‌بازی شکسته دوران کودکی خود را به همراه داشته باشند. ذهن افراد وسواسی هم به چنین حالتی تبدیل شده است. آن‌ها عادت کرده‌اند فکرهای آشغال را در ذهن خود نگه دارند. لذا باید اجازه دهند ذهن و مغزشان به حالت و کارکرد اصلی خود برگردد. اگر می‌خواهید

آشغال جمع‌کن نباشید، در مورد حذف افکار منفی، دو کار زیر را انجام دهید:
- فکرهای جالب، مهم یا لذت‌بخش و فکری را که ارزش نگاه‌داشتن دارند، در دفتر خود بنویسید.
- فکری را که هم که بهتر است از مغزتان بیرون برود، جداگانه در دفتر خود بنویسید.

ماشین تفکیک چیزهای به‌درندخور را ببیندازید

فرد دارای اختلال وسواسی-اجباری باید مرتب تمرین کند تا مغزش بتواند افکار وسواسی را به‌مرور از ذهن خود بیرون بریزد.

اختلال وسواسی-اجباری چیست؟

وسواس‌ها افکاری هستند که بارها و بارها به ذهن ما می‌آیند. ما نمی‌خواهیم به آن‌ها فکر کنیم، اما آن‌ها به هر حال به ذهن ما می‌آیند و باعث می‌شوند عصبی شویم یا احساس بدی پیدا کنیم.

اجبارها کارهایی هستند که برای کنترل فکرهای بدمان انجام می‌دهیم. آن‌ها اعمالی هستند که بارها و بارها انجام می‌دهیم، نه به این خاطر که خودمان می‌خواهیم، بلکه انگار مجبور به انجام این کارها هستیم. اجبارها معمولاً به آداب و رفتار تبدیل می‌شوند، به این معنا که ما باید یک مجموعه کارها را همیشه به روشی مشابه انجام دهیم.

اختلال وسواسی-اجباری به این شکل کار می‌کند:

- اول یک فکر داریم، مانند: «اگر ویروس‌ها هنوز روی دستم باشند، چه؟»
- بعد احساس ترسی مانند این داریم: «اگر دستم کثیف باقی بماند، من



مثال، در طی یک ساعت، ده بار لباسستان را کنترل می‌کنید که از پشت شلوارتان بیرون نزده باشد. برای ضد عفونی کردن دست‌هایتان، ده بار ماده پاک‌کننده می‌زنید. در مورد اینکه فردا صبح چه ساعتی باید بیدار شوید، ده بار با خودتان کلنجار می‌روید. در مورد همه این موارد، به اتفاق‌های بد فکر نکنید، مثبت بیندیشید و اطمینان خاطر پیدا کنید. برای مثال، پس از پوشیدن لباس، عادت کنید خودتان را مقابل آینه و رانداز کنید یا ساعت را سر ساعتی که می‌خواهید بیدار شوید، کوک کنید.

غلبه بر وسواس کار سختی نیست!

چهار نکته

- **قدم بزرگ بردارید:** غلبه بر وسواس را با حذف کارهای ساده شروع کنید.
- **کارهایی را تمرین کنید که شما را از لحاظ ذهنی قوی کنند:** برای مثال، سوار ماشین برقی شهر بازی شوید و به جای ترس، کیف کنید. در این موقع وسواس داد می‌زند و می‌گوید: خطر! در جواب بگویید: چه خطری؟ اتفاقاً دارم لذت می‌برم.
- **برای مدت کوتاهی ناشنوا شوید:** اگر به حرف‌های وسواسستان گوش ندهید، ناراحتی‌هایتان خود به خود تمام می‌شوند. فقط اجازه دهید به آن‌ها عادت کنید.
- **بگویید اینجارئیس منم:** همیشه سعی کنید به اختلال وسواسی-اجباری نشان دهید که مدیر و تصمیم‌گیرنده اصلی شما هستید.

کرونا می‌گیریم، اگر کرونا بگیریم، ممکن است عواقب سختی در انتظارم باشد!

- مطمئناً ما دلمان نمی‌خواهد کرونا بگیریم. بنابراین تصمیم می‌گیریم برای جلوگیری از این اتفاق کاری نکنیم.
- پس تصمیم می‌گیریم دستمان را بهتر و بیشتر بشوییم و بیشتر مراقب وپروس‌هایی باشیم که باعث کرونا و احتمالاً مرگمان می‌شوند.
- بنابراین، برای اینکه احساس بهتری پیدا کنیم، دست‌هایمان را می‌شوئیم، باز هم می‌شوئیم و باز هم...

شاید این کار چندان مهم به نظر نرسد. اگر طبق شیوه‌نامه‌های بهداشتی ۲۰ ثانیه‌ای، سه بار دست‌ها را بشوییم، شستن دست فقط یک دقیقه طول می‌کشد. اما موضوع در این جا تمام نمی‌شود، چون اختلال وسواسی-اجباری همیشه بیش از این می‌خواهد و زیاده‌طلب است.

ابزارهایی برای پایان دادن به وسواس

- **حقیقه‌آزیر** خطرهای دروغین درون خود را بشناسید و به آن‌ها بها ندهید: امشب زلزله می‌آید. جواب این است که تا حالا هیچ بشری زلزله را پیش‌بینی نکرده است.
- مواظب حقیقه‌بازی «شاید» و «شاید‌ها»ی اضافی‌تر باشید. وسواس در ذهن ما در مورد هر چیزی یک بازی شاید و شاید‌های احتمالی و اضافی دیگر راه می‌اندازد. شاید غذا مسموم باشد! شاید آشپز رستوران آن را مسموم کرده باشد که بمیریم! شاید از اصل مواد اولیه غذا مسموم بوده باشد و... در مورد همه شاید‌ها، با یک پاسخ ساده، خودتان را قانع کنید: «آخر چرا؟!»
- بدانید که وسواس، راه از بین بردن احساس اطمینان خاطر است. برای

رشته شیمیایی

آشنایی با رشته صنایع شیمیایی

در کشور ما آموزش‌های تئوری ارزش و اهمیت زیادی دارند. به همین دلیل از این نظر ما بسیار پیشرفته هستیم. ولی اگر دنبال یک راه میانبر می‌گردی که زودتر به مقصد برسی و قابلیت‌های خودت را نشان بدهی و استعدادت را بال پروازت کنی، نگاهی به رشته‌های هنرستانی بینداز. چرا که در این رشته‌ها مهارت‌هایی را می‌آموزی که زودتر دانش را به عمل تبدیل کنی. آموزش‌های مهارتی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش برای تو فرصت‌های خوداشتغالی فراهم خواهند کرد و خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کنی، تو را جذب بازار کار می‌کنند.

محمدامین بحرینی، فارغ‌التحصیل رشته صنایع شیمیایی از شهر تهران، مهمان این شماره از مجله است. محمدامین از دوره متوسطه اول در کارخانه چرم‌سازی مشغول به کار بوده و از آنجا که به کسب‌وکار علاقه زیادی دارد، یکسالی می‌شود که وارد بازار چرم‌فروشی شده است. محمدامین در کنار حرفه اصلی‌اش، در بازار بورس هم فعالیت می‌کند و اعتقاد دارد علم کسب و کار را باید در بازار به‌دست آورد. کار کردن به او یاد داده است نگاه مثبتی به اتفاقات داشته باشد، برای رسیدن به خواسته‌هایش تلاش کند و با سختی‌ها بجنگد. به عقیده محمدامین بحرینی، کار کردن آدم‌ها را بزرگ می‌کند. جالب است بدانید او کوهنوردی حرفه‌ای است و هدفش صعود به قله‌های هشت هزار متری دنیاست.



با تشکر از:

مدیریت هنرستان جابرین حیاب منطقه شش تهران

و حرف آخر

به ما می‌گویند هنرستانی، به ما می‌گویند درس نخوان. به ما می‌گویند شما به درد درس خواندن نمی‌خورید. ولی اصلاً این‌طور نیست. اگر دقت کنید، بیشتر صنعتگران و بیشتر کار راه‌اندازها از همین بچه‌های هنرستانی هستند. اگر بچه‌های هنرستانی نباشند، کار بقیه لنگ می‌ماند. از همین‌جا به همه می‌گویم دمتان گرم، اگر واقعاً دنبال هدف‌هایتان هستید، اگر واقعاً دارید کارتان را درست انجام می‌دهید و درستان را می‌خوانید، دمتان گرم و امیدوارم که موفق باشید. اگر کار و درستان را با هم در یک زمینه پیش ببرید و تلاش کنید، قطعاً موفق می‌شوید.

در این رشته می‌آموزیم

صنایعی را که در آن‌ها واکنش‌های شیمیایی انجام می‌شوند، صنایع شیمیایی شامل صنایع غذایی، داروسازی، پتروشیمی، تولید لوازم خانگی، الیاف مصنوعی، و مواد بهداشتی و آرایشی می‌شود. هنرجویان در این رشته با فرایندهای شیمیایی، صنایع شیمیایی، مواد معدنی و آلی، تجزیه مواد معدنی و آلی، شیمی تجزیه، عملیات دستگاهی در صنایع شیمیایی، بهداشت و ایمنی در صنایع شیمیایی، تولید انواع شوینده، انواع آزمایش‌های شیمیایی (معدنی و آلی) آشنا می‌شوند.

بازار کار

کارخانه‌های پالایش گاز، صنایع پلیمر، پتروشیمی، آزمایشگاه‌های شیمی، خط تولید مواد پاک‌کننده، آبکاری فلزات به روش‌های گوناگون، تصفیه آب مورد نیاز صنایع شیمیایی و کارخانه‌های تولیدکننده مواد شوینده و پاک‌کننده.

توانایی‌های لازم

رشته صنایع شیمیایی مجموعه‌ای از علوم شیمی و مهندسی شیمی است. بنابراین، هنرجویان باید به تحصیل در رشته فناوری فرایندهای شیمیایی علاقه داشته باشند و از شیمی و کار در آزمایشگاه شیمی لذت ببرند و توانایی‌های شناختی و ادراکی و حرکتی خوبی داشته باشند.

چرا این رشته را انتخاب کردی؟

سال اول رشته ریاضی فیزیک خواندم، ولی با توجه به اینکه حرفه‌ام چرم‌سازی بود، دوست داشتم در رشته‌ای درس بخوانم که با کار مرتبط باشد. خوب نزدیک‌ترین رشته به کار من صنایع شیمیایی بود. پس، از سال دهم تغییر رشته دادم و در این رشته درس خواندم.

گفتی حرفه‌ات چرم‌سازی است. چرا چرم‌سازی؟

سال هشتم که بودم، به واسطه دامادمان که کارگاه چرم‌سازی داشت، با این حرفه آشنا شدم. کم‌کم به این کار علاقه پیدا کردم و جذبش شدم. تا سال دوازدهم در یکی از کارخانه‌های چرم‌سازی مشغول بودم تا پایه دوازدهم که وارد بازار فروش چرم شدم.

چطور شد که از کار تولیدی وارد بازار شدی؟

علاقه زیاد به کسب و کار. این علم در بازار به دست می‌آید و من در حال یادگیری آن هستم. همین علاقه به کسب و کار باعث شد در کنار این کار وارد بازار بورس و ارز دیجیتال هم بشوم.

در کنار درس کار هم می‌کردی! سخت نبود؟

چرا، خیلی سخت بود؛ درس خواندن و هم‌زمان کار کردن. ولی من به دنبال هدف‌هایی بودم که باید به آن‌ها می‌رسیدم. برای همین نمی‌توانستم صبر کنم درس تمام شود یا بخواهم از خانواده کمک بگیرم. این شد که تصمیم گرفتم خودم کار کنم. خیلی هم سخت بود، خیلی. ولی انجامش دادم و الان هم دارم ادامه می‌دهم.

گفتی دنبال هدف‌هایی بودی. چه هدف‌هایی؟

هدف‌های من زیادند. ولی قطعاً به بعضی از آن‌ها رسیده‌ام و به هدف‌های بزرگ‌تر هم به امید خدا می‌رسم. یکی از هدف‌های مهم برای من، رسیدن به استقلال مالی است تا به واسطه من خیلی‌ها کار کنند و حقوق بگیرند.

کار کردن در سن جوانی چه تأثیری بر شما داشت؟

من به کار کردن در سن جوانی ایمان دارم. اگر آن تلاش‌ها را در آن سال‌ها نمی‌کردم، الان به چیزهایی که دارم نمی‌رسیدم. کار کردن باعث بزرگی آدم‌ها می‌شود. به واسطه کار کردن تجربه‌های زیادی به دست می‌آوری که جای دیگر نمی‌توانی آن‌ها را کسب کنی. کار کردن روی من خیلی تأثیر مثبت داشت. وقتی می‌بینم می‌توانم لوازم کوهنوردی‌ام را خودم بخرم، موتوری زیر پایم هست و خیلی چیزهای دیگر، پس می‌گویم روی من تأثیر مثبت داشته.

چه سختی‌هایی داشت؟

از ساعت چهار و پنج صبح بیدار شدن، از توی اتوبوس و تاکسی خواب‌ماندن، از شب تا صبح بیدار ماندن و درس خواندن، هر چه بود گذشت.

اول قرارداد

نکاتی درباره قرارداد کار

قرارداد کار و موارد مربوط به آن از جمله اطلاعاتی هستند که در دنیای کسب و کار همه باید در مورد آن به قدر کافی بدانیم. چه کارگر باشید، چه کارمند دولت یا صاحب کسب و کار، یا به هر شکل دیگری که به کسب و کار ارتباط دارید، باید در مورد قرارداد کار اطلاعات کافی داشته باشید.

قرارداد کار مهم‌ترین عامل اعتماد و اطمینان برای کارگر، کارمند و کارفرماست. با وجود قرارداد کاری مشخص، می‌توانیم مطمئن باشیم نیروی کار با انگیزه بیشتری بر انجام وظیفه‌اش تمرکز می‌کند. عقد قرارداد کاری کاملاً به نفع دو طرف قرارداد است. استفاده نکردن از قرارداد کاری می‌تواند مشکلات بسیاری را برای دو طرف یا یکی از طرفین در پی داشته باشد.

چه کسانی مشمول قانون کار هستند؟

به طور کلی باید گفت، در محیط‌های کسب و کار، دسته‌ای از افراد برای خود کار می‌کنند و برخی برای دیگری. نمونه دسته اول، صاحبان بنگاه‌های تجاری، تولیدی و خدماتی هستند که با سرمایه کم یا زیاد، برای خود کار می‌کنند و مشمول قانون کار نیستند. همچنین، افرادی همچون رانندگان و کشاورزان که به صورت انفرادی برای خود کار می‌کنند، از مشمول قانون کار خارج هستند.

در مقابل، کسانی که برای دیگری کار می‌کنند، تحت شرایطی مشمول قانون کار هستند و از مزایای آن برخوردارند. در ماده ۲ قانون کار، تعریف مفهوم کارگر آمده است. به موجب این ماده، هر انسانی، تحت هر عنوانی، به دستور دیگری، در مقابل مابه‌ازا کار کند، کارگر محسوب و از مزایای قانون کار بهره‌مند می‌شود.

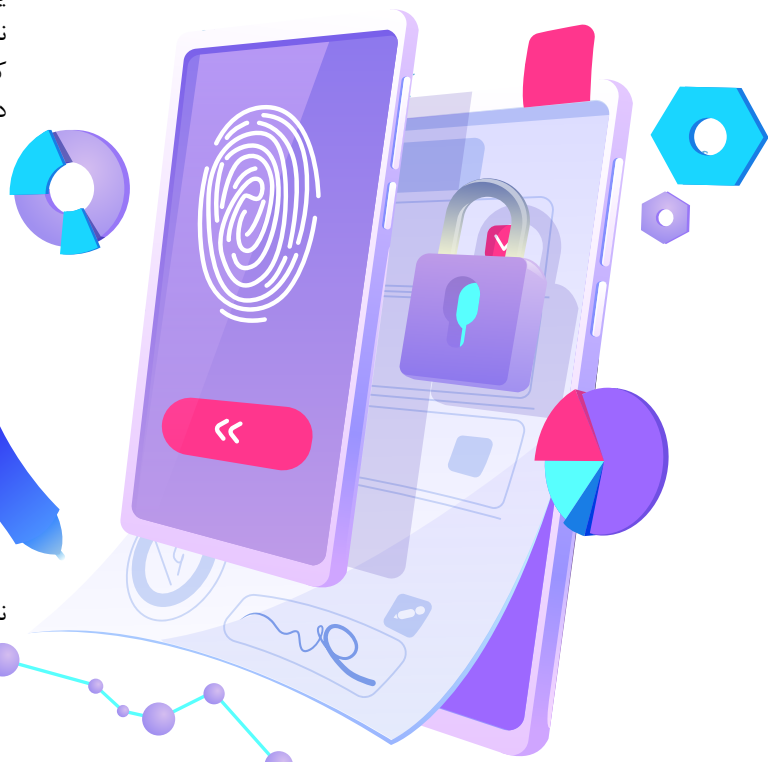
البته استثناهایی در این خصوص وجود دارند که در مواد ۱۸۸ به بعد قانون کار آمده‌اند. هر فردی با مطالعه این مواد می‌تواند استثناها را به روشنی دریابد.

انواع قرارداد

قرارداد کار دائمی (غیر موقت): قرارداد کار دائم یا قرارداد کار غیر موقت، یک توافق نامه بدون زمان است. یعنی در بندهای فرم قرارداد کار هیچ نشانه‌ای در مورد موقتی بودن وجود ندارد. یکی از نکات مهم قرارداد کار وزارت کار این است که در کارهایی که طبیعت آن‌ها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد کار دائمی محسوب می‌شود. قرارداد کار موقت با مدت معین: پس از قرارداد کار دائم، یکی دیگر از انواع قراردادهای کار، قرارداد کار موقت با مدت معین است.

ماهیت برخی کارها به شکلی است که کارفرما برای آن مدت معینی مشخص می‌کند. اما مدت قرارداد قانون کار، از سوی کارفرما و کارگر، قابل تمدید است. تمدید شدن قرارداد کار بعد از پایان مدت آن امکان‌پذیر است.

قرارداد کار موقت با کار معین: ویژگی این نوع قراردادهای معین بودن کار است و شرط زمان انجام عمل در آن، اهمیت کمتری دارد. اگرچه نوشتن مدت آن بهتر است از سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری و یک قرارداد مطمئن تنظیم شود. نحوه پرداخت حق الزحمه در شرایط توافق ذکر می‌شود و با انجام کامل تعهدات و پرداخت حق الزحمه، قرارداد نامه کاری موقت به پایان می‌رسد.





دوره آزمایشی قرارداد کار

مسئله دوره آزمایشی یکی دیگر از نکات مهم قرارداد کار است. طبق ماده ۱۱ قانون کار طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر، مدتی را به‌عنوان دوره آزمایشی تعیین کنند. در طول این مدت، هریک از طرفین حق دارند بدون نیاز به اطلاع قبلی و بدون آنکه لازم باشد خسارتی پرداخت کنند، رابطه کاری را قطع کنند و قرارداد کار آزمایشی فسخ شود. البته در صورت فسخ قرارداد کار دوره آزمایشی و قطع رابطه کاری از طرف کارفرما، ایشان وظیفه دارد حقوق کامل تمام دوره آزمایشی را به طرف مقابل پرداخت کند، اما اگر کارگر به قرارداد کار پایان دهد، کارگر فقط مستحق دریافت دستمزد مدتی است که فعالیت کرده است.

حداکثر مدت دوره آزمایشی قرارداد کار برای کارگران ساده و نیمه ماهر یک ماه و برای کارگران ماهر و دارای تخصص سطح بالا، سه ماه است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم، موضوع بیمه دوره آزمایشی است. باید توجه داشت حتی در دوره آزمایشی نیز کارگر مستحق دریافت بیمه است. کارفرما باید توجه داشته باشد که رابطه کاری با کارگر، حتی اگر به صورت آزمایشی باشد، مستلزم پرداخت بیمه ایشان است. پس دوره آزمایشی کار نیز، مانع از پرداخت حق بیمه کارگری نیست و قرارداد قانون کار، حتی در حالت آزمایشی نیز، مشمول بیمه است و باید به این نکته توجه داشت. به این قرارداد قانون کار، قرارداد کار سه ماهه نیز گفته می‌شود. ماده ۱۱ قانون کار اجازه داده است کارفرما و کارگر مدتی را به‌عنوان دوره آزمایشی تعیین کنند. در میان مردم به آن قرارداد آزمایشی اداره کار گفته می‌شود. امروزه کارفرمایان زیادی در ابتدای همکاری با کارگر، قرارداد آزمایشی اداره کار امضا می‌کنند.

این دوره خصوصیات زیر را دارد:

۱. دوره آزمایشی سه ماهه صرفاً مخصوص کارگران ماهر و دارای تخصص سطح بالاست.
۲. در صورت قطع رابطه کاری توسط کارفرما در دوره سه ماهه، ایشان موظف است تمام حقوق دوره آزمایشی را به کارگر پرداخت کند.
۳. در صورت قطع رابطه کاری از طرف کارگر، کارگر فقط حق دریافت حقوق مدتی را دارد که کار کرده است و تمام حقوق قرارداد کار آزمایشی به ایشان پرداخت نمی‌شود.

قرارداد کار پاره‌وقت

قرارداد پاره‌وقت قراردادی است که در آن مدت کارکرد روزانه کارگر از هشت ساعت فعالیت روزانه کمتر است یا کارگر در برخی از روزهای

هفته، در خدمت کارفرما و در روزهای دیگر، در اختیار خودش است. رعایت قوانین وزارت کار در مورد قراردادهای کار پاره‌وقت نیز ضروری است. در این مورد، هیچ تفاوتی میان قراردادهای کار تمام وقت و پاره‌وقت وجود ندارد و بیمه این قراردادهای متناسب با ساعات کارکرد محاسبه می‌شود. بنابراین بابت هر هشت ساعت کار، یک روز سابقه بیمه محاسبه خواهد شد.

در مورد سایر مزایا نیز مانند حق بیمه است و مزایای کارگرانی که به‌صورت نیمه وقت (پاره‌وقت) فعالیت می‌کنند، متناسب با ساعات فعالیت انجام شده محاسبه می‌شود. بنابراین، قرارداد پاره وقت اداره کار و قرارداد کار دائمی، از نظر بیمه با هم تفاوت ندارند.

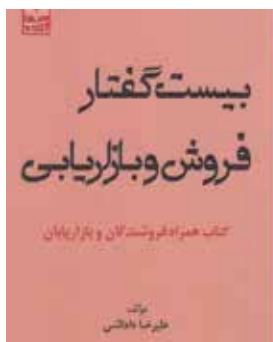
به قرارداد ساعتی اداره کار، قرارداد حق الزحمه ساعتی نیز گفته می‌شود. قراردادکار بدون بیمه امکان‌پذیر نیست.

قانون کار یک قانون اجباری (آمره) است و با توجه به اینکه موضوع بیمه کارگر در قانون کار آمده است، توافق برخلاف آن، فاقد اعتبار است.

ماده ۱۴۸ قانون کار در این مورد بیان می‌کند: «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون مکلف‌اند بر اساس قانون تأمین اجتماعی، نسبت به بیمه کردن کارگران واحد خود اقدام کنند.»

طبق ماده ۱۴۸ قانون کار و مانند قرارداد کاری ساعتی، قرارداد کار موقت بدون بیمه قانونی نیست. بنابراین، حتی اگر در متن قرارداد کاری جزئیات بیمه ذکر نشود، باز هم وظیفه پرداخت حق بیمه وجود دارد و نمی‌توان این وظیفه قانونی را نادیده گرفت. حتی اگر کارگر و کارفرما در مورد عدم پرداخت بیمه توافق کنند، در صورت شکایت کارگر در اداره کار، مرجع رسیدگی به نفع ایشان رأی می‌دهد.

بیشتر گفتار درباره فروش و بازاریابی



نویسنده: علیرضا داشی

ناشر: بازاریابی

سال نشر: ۱۳۹۷

تلفن: ۰۳۱-۶۶۴۷۷۰۱۶۰

سلام
با ابراز خرسندی و خوشحالی از ارتباط همیشگی شما
هنرجویان عزیز با ماهنامه خودتان، در این شماره هم
به بعضی از مطالبی که به دفتر نشریه فرستاده‌اید،
می‌پردازیم. همچنان مشتاق دریافت نظرات، خاطرات
و دیگر نوشته‌های ارزشمند شما هستیم.

محمد مظاهری، هنرجوی رشته نقشه‌برداری از بوشهر نوشته است: چرا خیلی‌ها رشته
ما را با رشته نقشه‌کشی اشتباه می‌گیرند؟
چرا همه می‌دانند کار تحصیل کرده‌های رشته برق، مکانیک، کامپیوتر، صنایع، شیمی
و عمران چیست، اما کمتر کسی می‌داند نقشه‌بردار چه کار می‌کند؟
چرا در کتاب جغرافیای راهنمایی و دبیرستان به تهیه نقشه از عکس‌برداری هوایی اشاره
می‌شود، اما نمی‌گویند این نقشه‌ها را نقشه‌بردارها تهیه می‌کنند نه جغرافی‌دان‌ها!
خود من هم وقتی وارد این رشته شدم نمی‌دانستم نقشه‌برداری چه کاربردی دارد؟
امیدوارم در کتاب‌های درسی دوره اول متوسطه در مباحث مرتبط با این موضوع دقت
لازم اعمال بشود، چرا که رشته نقشه‌برداری اهمیتی کمتر از رشته‌های دیگر ندارد و
اساس و مرحله اول هر پروژه عمرانی، عملیات نقشه‌برداری است.

- بله. کاملاً حق با شماست. ما هم سعی می‌کنیم در یکی از شماره‌های
نشریه به‌طور مفصل به معرفی این رشته خوب و کاربردی بپردازیم. شما
هم آرامش خود را حفظ کنید و از دست کسی که رشته شما را با رشته‌های
دیگر اشتباه می‌گیرد عصبانی نشوید، چون ممکن است محاسباتتان هنگام
نقشه‌برداری به هم بریزد.

موفق باشید

مرتضی حشمتی از کاشان نوشته است:

پدرم در نشریه‌ای خواند که بازی‌های رایانه‌ای در تقویت خلاقیت برای کارآفرینی مؤثرند. به
همین خاطر رفت برایم یک پلی‌استیشن با کلی بازی خرید و مرا وادار کرد روزی چند ساعت
پای آن بنشینم و بازی کنم. کار از خلاقیت گذشت و حالا من طبق اسناد پزشکی معتاد
بازی‌های رایانه‌ای شده‌ام. کارم تا نیمه‌های شب همین شده است. از دیگر کارهای زندگی مثل
درس خواندن افتادم.

- بازی‌های رایانه‌ای چنانچه روشمند و زمان‌بندی شده باشند، به پرورش خلاقیت
کمک می‌کنند، اما افراط در آن اعتیاد می‌آورد. امیدواریم با اراده و کشف توان نهفته
در خود بتوانید این عادت بدشده را به هنجار در آورید و قطار ذهن را در ریل درستی
بیندازید. در ضمن، کاری کنید که پدرجان نشریه‌اش را عوض کند. مثلاً همین رشد
هنرجو!

حوریه حسینی از خراسان رضوی، با اشاره به
وجود افراد موفق در شاخه کاردانش نوشته
است: پدر و مادرم مرا با گریه به رشته فرش
در شاخه کاردانش فرستادند، اما من خیلی زود
به این رشته علاقه‌مند شدم. در حال حاضر
هم نفر اول المپیاد فرش هستم. الان به لطف
خداوند از کارآفرین‌های موفقم و ۲۵ هنرجو
تحت نظرم مشغول به کار هستند.

- البته ما توقع نداریم هیچ پدر و مادری،
وقت انتخاب رشته، اشک فرزندش را
در بیاورد و او را به اجبار راهی رشته‌ای
کند، اما در رشته‌های کاردانش یا فنی -
حرفه‌ای، به خاطر کسب مهارت، جاذبه‌ای
وجود دارد که هنرجو خیلی زود به آن
علاقه‌مند می‌شود. بی‌نهایت خوشحالیم
که خانم حوریه حسینی توانسته است
این‌قدر خوب در رشته فرش بدرخشد.

کارگاه رنگ

بهره‌م‌بیسان





أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ
برای تعجیل در ظهور من زیاد دعا کنید که خود فرج و نجات
شماست (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵).